



مطالعه کیفی شناسایی مولفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

استاد گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

حسین آرامی ^{id}

عبدالله شفیع آبادی* ^{id}

کیانوش زهراکار ^{id}

ashafiabady@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۱ پیاپی ۱۵ | ۳۱۲-۳۳۹

بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(آرامی، شفیع آبادی و زهراکار، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

آرامی، حسین، شفیع آبادی، عبدالله، و زهراکار، کیانوش. (۱۴۰۲). مطالعه کیفی شناسایی مولفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده. *خانواده‌درمانی کاربردی*. ۱(۴)، ۳۳۹-۳۱۲.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر، شناخت مولفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده با تکیه بر دانش و تجارب مشارکت کنندگان و تبیین الگوی مفهومی برآمده از آن است. **روش پژوهش:** روش انجام آن از نوع کیفی با تکنیک گراند تئوری بوده است. **یافته‌ها:** تایج بر اساس سه مرحله کدگذاری با بیش از ۲۰۵ گزاره معنادار، ۴۰۴ مفاهیم متناظر و ۳۵ مقوله فرعی و ۱۲ مقوله اصلی و یک مقوله هسته به دست آمد. **نتیجه‌گیری:** ۱۲ مقوله به دست آمده شامل؛ تاکید بر آموزش مداوم، تقویت اقتصادی، حمایت قانونی از زندگی سالم، مهارت‌پروری و مهارت‌افزایی، بازتولید اخلاقی مداوم، مصون‌سازی فرهنگی، سبک زندگی سالم، انتخاب عقلانی، تقویت پیوندهای درونی اعضا، اعتمادسازی دوجانبه، خانواده‌گرایی و مداخله موثر است که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته به نام «پیشگیری از فروپاشی خانواده به علت اعتمادسازی دوجانبه و بازتولید اخلاقی مداوم در بستر تقویت اقتصادی و مداخله موثر فرهنگ و عقلانیت با راهبردهای آموزشی و مهارتی توأم با حمایت قانونی از زندگی سالم به پیامدهای تقویت پیوندهای درونی، سبک زندگی سالم و خانواده‌گرایی منجر می‌شود»، به دست آمد که می‌تواند همه مباحث جامعه مورد مطالعه را تحت پوشش قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، پیشگیری از فروپاشی، شناسایی مولفه‌ها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه طلاق یک پدیده اجتماعی شناخته شده خطرناکی است که خانواده‌ها را از هم متلاشی کرده و جامعه را به فساد می‌کشد (رضائی و همکاران، ۱۳۹۹). جدایی و طلاق برای تمام اعضای خانواده تنیدگی بزرگی شمرده شده و می‌تواند منجر به واکنش‌های سازگاری کوتاه مدت و بلندمدت گردد (دربانی و پارساکیا، ۱۴۰۱). تأثیرات زیاد طلاق بر زندگی افراد جامعه در زوایای مختلفی بررسی شده است. در همین راستا تأثیرات طلاق بر به زیستی و سطح رفاه در پژوهش گادالا (۲۰۰۸) در ۳۸ کشور پیشرفته مطالعه و تحلیل شده است. در کشورهای مختلف تأثیر طلاق بر سطح رفاه زمینه‌های اجتماعی آن متفاوت است. در اکثر کشورها، افراد مطلقه سطح رفاه کمتری نسبت به متاهلان قرار دارند و میزان این تفاوت‌ها در کشورها به طور قابل توجهی متفاوت است. در بسیاری از کشورها فرزندان والدین طلاق گرفته به نسبت سایر افراد کیفیت زندگی متفاوتی دارند. درگیری والدین در پروسه طلاق باعث کاهش سطح حمایت اجتماعی والدین از فرزندان می‌شود و کاهش حمایت اجتماعی مستقیماً بر کیفیت زندگی افراد تأثیر دارد (سورک، ۲۰۲۰). البته کودکان طلاق که محصول مستقیم پدیده طلاق در جامعه هستند، در بسیاری از کشورها مورد توجه دولت‌ها و نهادها قرار گرفته‌اند. ادبیات مربوط به سیاست حمایت از کودکان طلاق در وهله اول به ایالات متحده و سایر کشورهای غربی بر می‌گردد که قبلاً سیستم‌های رسمی حمایت از کودکان را ایجاد کرده‌اند. البته در اکثر کشورهای آسیایی سیاست واضحی برای حمایت از کودکان وجود ندارد. مطالعه کشور کره جنوبی به عنوان نمونه‌ای از یک کشور آسیایی که اخیراً با مجموعه‌ای از تغییرات قانونی سیاست حمایت از کودکان را نهادینه‌سازی کرده، نشان داده که اصلاح سیاست‌های حمایتی از کودکان طلاق، حجم طلاق را نیز بالا می‌برد (کیم و چانگ، ۲۰۲۰)؛ اما به مراتب از تبعات منفی آن می‌کاهد. چرا که فرزندان والدین مطلقه در مقایسه با فرزندان والدین غیر مطلقه، خطر بیشتری برای افسردگی، تنهایی، آسیب دیدگی دوران کودکی، اجتناب از دلبستگی، اضطراب دلبستگی، استرس شدید و مراقبت کمتر پدرانه را دارند (شان و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو، خانواده به عنوان ساختاری از روابط خویشاوندی یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی است و به دنبال تحولات و تغییرات روبه‌رشد در ساختار جوامع بشری، نهاد خانواده نیز از این تحولات مستثنی نمانده است. در زمان حاضر ناسازگاری زناشویی به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شده است که به نهاد خانواده آسیب می‌رساند و به تدریج جامعه را به وضعیت بحرانی و تا مرز متلاشی شدن ارزش‌ها می‌کشد (کبیری و خاکپور، ۱۳۹۹). همچنین وضعیت خانواده در دنیای جدید تحت تأثیر تحولات حاصل از مدرنیته، تغییرات عمیقی را تجربه می‌کند. اگرچه احساس خانواده همچنان ریشه در سنت‌های دیرپا دارد، اما محتوا و قالب آن دچار تغییراتی شده است (عرب‌خراسانی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ می‌توان گفت خانواده بزرگترین و مهمترین میراث فرهنگی بشر بر روی زمین است که کشش درونی و غریزی افراد برای تشکیل خانواده گویای اهمیت فرا تاریخی مقوله خانواده در زندگی انسان‌ها از ابتدای هستی بوده است. از طرفی، خانواده به عنوان مهمترین کانون اجتماعی بشری، عنصر اساسی در تشکیل، پیشرفت و موفقیت یک جامعه و ملت است، لذا سعادت هر جامعه‌ای منوط به نیکبختی خانواده‌های آن جامعه است. بنابراین، باید هر چه بیشتر در راه رسیدن به سعادت‌مندی آن جامعه تلاش کرد. بنابراین مهمترین پیش‌شرط دستیابی به سعادت‌مندی خانواده از راه شناسایی کامل عوامل تحکیم بنیان خانواده امکان‌پذیر است (نوابخش و محمدی، ۱۳۹۵).

مطالعه بر روی خانواده و استحکام آن در دو بعد ملی و فرا ملی سهم بالایی از کارهای علمی را به خود اختصاص داده و بدون شک امروزه حل مسایل ناشی از بحران‌های مرتبط با خانواده از محافل علمی قابل پیگیری هستند. هرچند ماهیت کلی خانواده از گذشته تا کنون به منزله پیوندی سببی و نسبی عمیق اعضا بین همدیگر است، اما شکل‌های آن در حال تغییر و تحول است و مسایلی مانند طلاق و جدایی اعضای خانواده از همدیگر در مواردی فروپاشی این نهاد مهم اجتماعی را به دنبال داشته است. طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است که آسیب‌ها و مشکلاتی که زوجین و خانواده‌های آنان قبل و پس از طلاق متحمل می‌شوند و عوامل موثر بر بروز این پدیده از دیرباز مورد توجه و بررسی بوده است (بوالهروی و همکاران، ۱۳۹۱). لازم به ذکر است که الگوهای خانوادگی طی ۵۰ سال گذشته بطور محسوسی در بسیاری از کشورها تغییر کرده است و یکی از این تغییرات به طور قابل توجهی افزایش نرخ طلاق والدین است. از طرفی هم با افزایش میزان طلاق، تنوع قابل توجهی در میزان و سرعت ظهور الگوهای جدید خانواده را بوجود آمده است (اوله، ۲۰۱۵). بنابراین مساله طلاق که اولین گام در فروپاشی خانواده است، ابتدا به تغییر الگوهای خانوادگی منجر شده است و فرایند تغییر از خانواده‌های همخون به خانواده‌های هسته‌ای (زن و شوهری امروزی) و نهایتاً در مواردی به خانواده‌های ناقص در حال تغییر بوده است.

همچنین امروزه از هم‌گسیختگی نهاد خانواده از مهم‌ترین عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی در ایران به شمار می‌رود. به‌گونه‌ای که علاوه بر اینکه از هم‌گسیختگی نهاد خانواده، خود به‌عنوان یک آسیب اجتماعی بروز کرده است. طلاق یک پدیده اجتماعی است که عوامل متعددی در وقوع آن دخیل است؛ از جمله این عوامل می‌توان به نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد و... نام برد (رحیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). از طرفی دیگر، افزایش روز افزون طلاق و از هم پاشیدگی بنای خانواده‌ها یکی از معضلات اجتماعی جوامع در حال حاضر است و در بین عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی بیشترین عوامل مرتبط با طلاق، شامل شناخت ناکافی همسر، عدم تفاهم، دخالت فامیل و دیگران در زندگی، بیکاری، اجباری بودن ازدواج، کمبود مهارت‌های زندگی، اعتیاد، سن پایین ازدواج، شهرنشینی، بیماری‌های جسمی یا روانی همسر، کمبود مهارت‌های جنسی و ارتباطی در ازدواج بوده است (مشکی و همکاران، ۱۳۹۰).

بر خلاف ازدواج، طلاق یک رویداد هنجاری در زندگی نیست و همچنین طلاق یک نقش اجتماعی با درجه‌ای از بلوغ و پختگی نیست؛ زیرا پدیده طلاق از هر سنی در طول دوره بزرگسالی می‌تواند رخ دهد. بر همین مبنا حتی کمتر احتمال دارد که طلاق بخشی از روند بلوغ شخصیت کلی باشد (دنيسن و همکاران، ۲۰۱۹). به دلیل افزایش روز افزون طلاق در اکثر کشورها، از جمله ایران و تاثیرات مخربی که این پدیده می‌تواند بر روی زوجها، فرزندان و جامعه بگذارد. بنابراین برای حل این مشکل الگوی مشاوره پیشگیری از طلاق می‌تواند کیفیت زندگی زوجین را به طور معنی داری افزایش دهد. بر همین اساس نقش و تاثیر الگوهای یکپارچه مشاوره در کاهش طلاق و افزایش کیفیت زندگی زوجین مورد تاکید قرار گرفته است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

البته باید یادآور شد که پیامدهای ناشی از طلاق فقط متوجه خود والدین نیست و عموماً در والدین دارای فرزند پیامدهای طلاق با آسیب‌هایی مانند بی‌میلی و عدم اشتیاق، عدم حمایت، خشونت و خشونت شدید

همراه بوده است. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل نتایج نشان داده که در میان کسانی که والدین آنها از هم جدا شده‌اند، سطح بالایی از خودشیفتگی را تجربه کرده است که این خود شیفتگی فرزندان، کار والدین را در نظم بخشیدن به زندگی آنها سخت می‌کند (لن، ۲۰۲۰).

بنابراین آمار رسمی طلاق مبین این مهم است که سهم قابل توجهی از طلاق‌ها در همان ۵ سال ابتدای زندگی مشترک و به ویژه ۲ سال اول رخ می‌دهد. بر این اساس شناخت مولفه‌های تحکیم بخش خانواده در ۵ سال نخست از درجه بالایی از اهمیت برخوردار است (نوابخش و محمدی، ۱۳۹۵). موضوع پیامدهای نامطلوب طلاق و فروپاشی خانواده ضرورت پیشگیری از آن و انجام اقداماتی در راستای استحکام خانواده بسیار مهم و حیاتی است. البته اولین گام در پیشگیری از آسیب‌های یک پدیده، شناخت همه جوانب آن پدیده است. بر همین اساس با توجه به چند بعدی بودن این پدیده و ذی مدخل بودن عواملی مانند فرهنگ و سن ملل و اقوام مختلف، حجم بالای تحقیقات انجام شده روند انجام پژوهش‌های جدید را متوقف نمی‌کند. لازم به توضیح است که عمده کارهای انجام شده در داخل و خارج هر کدام بر جنبه‌های مهمی از طلاق و فروپاشی خانواده تاکید داشته‌اند. در پژوهش‌های داخلی برای مثال: احمدی‌خویی و همکاران (۱۳۹۷) آموزش خانواده؛ حیدری و همکاران (۱۳۹۹) آگاهی و مشاوره قبل از ازدواج و مشاوره قبل از طلاق؛ برکات و همکاران (۱۴۰۱) تاثیرات طلاق بر فرزندان و جامعه؛ رحیم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی و اعتیاد؛ نوابخش و محمدی (۱۳۹۵) افزایش ناهمساز همسری؛ رضائی و همکاران (۱۳۹۹) از هم گسیختگی خانواده و فساد؛ بوالهروی و همکاران (۱۳۹۱) علل روانی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل جنسی، عوامل اقتصادی و خشونت؛ مسعودی‌نیا (۱۳۹۴) عوامل فرهنگی؛ مشکئی و همکاران (۱۳۹۰) شناخت ناکافی همسر، عدم تفاهم، دخالت فامیل و دیگران در زندگی، بیکاری، اجباری بودن ازدواج، کمبود مهارت‌های زندگی، اعتیاد، سن پایین ازدواج، شهر نشینی، بیماری‌های جسمی یا روانی همسر، کمبود مهارت‌های جنسی و ارتباطی؛ زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین؛ مرادی و همکاران (۱۳۹۱) نبود مشاوره و پایین بودن کیفیت زندگی؛ روشنی و همکاران (۱۳۹۸) همسرگزینی نادرست، نقص دانش و مهارت همسران، عملکرد نامطلوب همسران و شرایط اقتصادی نامطلوب؛ اسدیان و صداقت (۱۳۹۳) تفاوت تحصیلی، برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید، دخالت دیگران و وضعیت شغلی؛ کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) سرمایه انسانی و اقتصادی توسعه؛ حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۷) پیامدهای اجتماعی؛ حسنی و همکاران (۱۳۹۳) پیامدهای مثبت و منفی؛ دهقانی‌تفتی و همکاران (۱۳۹۸) خیانت، آسیب‌های اجتماعی، رضایت زناشویی و انزوای اجتماعی؛ عسکری‌باغمیانی و جوادبان (۱۳۹۶) فشار مضاعف زندگی را بررسی کرده‌اند. در پژوهش‌های خارجی نیز پژوهش‌های بسیار زیادی در مورد طلاق انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها هر کدام از زوایایی به این پدیده نگاه کرده‌اند. برای مثال: آلمند و همکاران (۲۰۱۵) تغییر ابعاد شخصیتی؛ گادالا (۲۰۰۸) بهزیستی و سطح رفاه؛ هگز و وایت (۲۰۰۹) مسایل مالی و اقتصادی بعد از طلاق؛ دنیسن و همکاران (۲۰۱۹) طلاق به عنوان بخشی از روند بلوغ شخصیت؛ اسپیکیک و همکاران (۲۰۲۰) خواسته‌های بیشتر و تجارب اجتماعی؛ لن (۲۰۲۰) پیامدهای نامطلوب برای فرزندان؛ سورک (۲۰۲۰) کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی؛ توسی و بروک (۲۰۲۰) طلاق خاکستری در کهنسالانی و سلامت روان؛ کیم و چانگ (۲۰۲۰) کودکان طلاق و اصلاح سیاست‌های حمایتی؛ کانگ و همکاران (۲۰۲۰) مسئولیت مالی فرزندان؛

کیم و چانگ (۲۰۲۰) تدوین سیاست‌های پیشگیرانه و هزینه‌های مالی حمایت از کودکان؛ سیوفی و همکاران (۲۰۲۰) اعتیاد؛ شان و همکاران (۲۰۱۹) آسیب پذیری فرزندان، کاهش رفاه و اختلالات روانی؛ شیمکوفسکی و لدبتر (۲۰۱۸) استرس آسیب‌زا و سلامت روانی کودک؛ هاگنز (۲۰۲۰) کاهش تحصیلات فرزندان و توسعه اقتصادی؛ وونگ (۲۰۱۶) تقویت حقوق مالکیت همسران؛ فرناندز و وونگ (۲۰۱۴) عوامل اقتصادی؛ گری (۱۹۹۸) افزایش قدرت چانه زنی زنان و اشتغال؛ استیونسون (۲۰۰۷) عوامل اقتصادی؛ استیونسون و ولفرز (۲۰۰۶) خودکشی زنان، خشونت خانگی و قتل؛ گروبر (۲۰۰۴) کاهش تحصیلات کودکان؛ اورسپرگ (۲۰۱۹) سلامت روان و اعتیاد؛ کلین ولدرمان و همکاران (۲۰۱۸) برنامه‌هایی برای حمایت از کودکان طلاق؛ اوله (۲۰۱۵) ظهور الگوهای جدید خانواده؛ کالمجین و همکاران (۲۰۱۱) طبقه اجتماعی و دوزباکر (۲۰۱۶) آسیب شناسی در حق طلاق از طرف مرد را بررسی کرده‌اند. به طور کلی تمرکز بر ادبیات نظری موجود می‌تواند به عنوان راهبردی برای پیشگیری از فروپاشی خانواده مورد توجه قرار گیرد، هر چند تنوع ادبیات نظری هنوز موقعیتی را فراهم نساخته تا منجر به یک رویکرد جامع نظری کارآمد شود به گونه‌ای که بتواند در چالش فروپاشی خانواده در جامعه ما نقش پیشگیرانه مورد انتظار را ایفا نماید. به عبارت دیگر هنوز نظریات موجود کارآمدی خود را در عرصه اجتماعی نشان نداده و نیاز است تا با اتکا بر ویژگی‌های فرهنگی و بومی جامعه الگوهای نظری متناسب با آن تدوین شود تا ضمن بهره‌مندی از دیگر پژوهش‌ها و رویکردهای نظری ضمن کارآمدی بتواند در جامعه ایرانی قابلیت اجرایی و کاربردی داشته باشد. از اینرو با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر در صدد بدست آوردن پاسخ به این سوال است که مولفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده با تکیه بر دانش و تجارب زیسته جامعه مشارکت کنندگان کدامند و الگوی مفهومی پیشگیری از فروپاشی خانواده چگونه است؟

روش پژوهش

از آنجایی که این پژوهش با هدف شناخت میدانی مولفه‌ها و تبیین الگوی مبتنی بر آن برای پیشگیری از فروپاشی خانواده انجام شده با توجه به فرایندی بودن پدیده مورد مذاقه، روش کیفی با استراتژی گراندد تئوری برای انجام آن مناسب به نظر می‌رسد و قصد محقق فهم مولفه‌ها بر اساس داده‌های جامعه مورد مطالعه است. دلیل انتخاب گراندد تئوری انطباق پذیری مراحل انجام آن با مراحل شکل‌گیری موضوع پژوهش از یک سو و التزام آن به استخراج الگویی مفهومی و برخاسته از آن است. به همین خاطر با اتکا به زیست جهان مصاحبه شونده‌گان، ضمن متفاوت بودن این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده، می‌تواند منجر به تبیین الگویی شود که بر خواسته از واقعیت تجربه شده آنان باشد. بنابراین این شیوه بررسی برای تبیین وضعیت خانواده‌های ایرانی درگیر با موضوع مناسب به نظر می‌رسد و می‌تواند در حد خود به درک مسایل ناشی از فروپاشی کمک کند و گراندد تئوری گزینه مناسبی برای انجام این پژوهش است. چرا که از طریق گرانددتئوری ضرورت رفتن به عرصه زندگی واقعی افراد برای کشف آنچه واقعاً وجود دارد و به آن اعتقاد دارند، محقق می‌شود. هرچند که در این رویکرد ممکن است نظریاتی وجود داشته باشد، اما گراندد تئوری می‌تواند باعث بسط نظریات موجود هم باشد. پس محقق در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق در میان ۱۵ نفر از جامعه مورد مطالعه و سپس بدست آوردن مفاهیم و مقولات مربوطه نهایتاً به تبیین الگوی بومی

پیشگیری از فروپاشی خانواده پرداخته است. جامعه مورد مطالعه تحقیق به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. انتخاب آنان در پژوهش کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود و از این رو داشتن دانش و تجربه برای دریافت بیشترین اطلاعات در این حوزه ملاک موثر بوده است. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری نظری است و در نمونه‌گیری نظری انتخاب نمونه‌ها با توجه به تحلیل داده‌های گردآوری شده پیشین شناسایی می‌شود. باگذشت زمان به عمق و تمرکز نمونه‌گیری افزوده می‌شود، زیرا در مراحل اولیه، بیشتر کشف مفاهیم و مقولات تازه و در مراحل بعد، عمق و غنا بخشیدن به این مقولات، مدنظر قرار می‌گیرند. نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که محقق به اشباع نظری رسیده باشد و اشباع نظری، زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند. بنابراین نمونه‌گیری از مشارکت‌کنندگان تا جایی ادامه می‌یابد که محقق به این نتیجه برسد همه آنها نظر مویدی در ارتباط با مسیر طی شده و نتیجه بدست آمده دارند. در کل جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های عمیق انجام شده و فرآیند تفسیر و تحلیل مصاحبه‌ها با توجه به روش کدگذاری انجام شده است.

یافته‌ها

ارائه چارچوبی برای پیشگیری از فروپاشی خانواده

نظریات متعددی در راستای پیشگیری از فروپاشی خانواده وجود دارند که به کارگیری آنها در جوامع مختلف نتایج متفاوتی را در بر داشته‌اند. لذا نمیتوان بدون توجه به ویژگی‌های هر اقلیم انتظار کارآمدی واحدی از آنها داشت. شاید به همین جهت باشد که بعد از گذشت سالیان متمادی و استفاده از این نظریات همچنان آمار طلاق در کشور روند روبه رشدی دارد. بنابراین محقق در این زمینه درصدد برآمد تا با کنکاش واقعیت در میدان وقوع آن به گزاره‌هایی دست پیدا کند که متعلق به خود مشاهده شونده است نه احتمالاً ذهنیات مشاهده کننده. در راستای دستیابی به این هدف از روش کیفی گراند تئوری استفاده شده است. در این روش جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها همزمان در جهت به بار نشستن یک الگوی مفهومی قرار می‌گیرد. فرآیند تفسیر با توجه به روش گراند تئوری به صورت کدگذاری در سه مرحله انجام می‌گردد. بنابراین هدف از این بخش از پژوهش، ارائه‌ی یک چارچوب نظری برای کشف الگوی پیشگیری از فروپاشی خانواده از نگاه مشارکت‌کنندگان است که بر همین اساس می‌توان گفت این پژوهش فهم آنان از مولفه‌ها و الگوی پیشگیری از فروپاشی خانواده بوده که به صورت مفهومی با مولفه‌های مشخصی تدوین شده است.

برای حصول نتیجه در روش کیفی گراند تئوری نیاز به مصاحبه‌های عمیق است. بر همین اساس برای استخراج مطالب بدست آمده، محقق اقدام به انجام مصاحبه‌هایی عمیق با مشارکت‌کنندگان متعدد داشته که ۱۵ نفر آنان از داده خیزی متناسب با موضوع برخوردار بودند. این افراد به طور مستقیم و طی سالها به اشکال مختلف با مسایل خانواده و طلاق درگیر هستند و از دانش و تجارب درخور توجهی برخوردارند. بر همین اساس نکته‌های معنادار و ناب متن گفتگوی آنها عصاره اصلی مفاهیم استخراجی را تشکیل می‌دهد. زمان انجام مصاحبه با آنان از ۳۷ دقیقه تا ۶۵ دقیقه به طول کشیده و زمان احصایی مفید در کل ۸۱۲ دقیقه مصاحبه و گفت‌و شنود علمی پیرامون موضوع پژوهش است. پس از چندین بار شنیدن فایل‌های صوتی

مصاحبه‌های ضبط شده، محقق اقدام به پیاده‌سازی آنها نموده و سپس تحلیل را بر اساس متن مصاحبه‌های ثبت شده انجام داده است. در نهایت، نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارائه شد.

– کدگذاری باز و استخراج گزاره‌های معنادار از مصاحبه‌ها و مفاهیم متناظر از آنها

در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۲۰۵ مفهوم و گزاره معنادار از متن مصاحبه‌ها استخراج شد که هر کدام از این گزاره‌ها خود دارای چندین مفهوم متناظر بوده است. لازم به ذکر است تمام مراحل استخراج تئوری و فرایند کدگذاری در این قسمت به صورت دستی انجام شده است. به این صورت که متن مصاحبه‌ها به دقت بارها خوانده شده و کدها و گزاره‌ها از آن استخراج شده است. بر حسب ویژگی‌های دانشی و تجربی شخص مصاحبه شونده، تعداد گزاره‌های معنادار هر مصاحبه متغیر بود. برای مثال در یک مصاحبه فقط هفت گزاره معنادار و در مصاحبه دیگری بیش از ۲۳ گزاره معنادار استخراج شده است. در این مرحله از پژوهش مصاحبه‌های انجام شده به صورت مکرر بازبینی و بازخوانی شده و از هر مصاحبه تمام آن جملاتی که برای تحلیل و استخراج مفاهیم مناسب به نظر می‌رسند، مشخص شده و سپس از این جملات و گزاره‌ها، مفاهیم اولیه که به نحوی برای تحلیل‌های بعدی نیاز است، استخراج شده‌اند. در کل اطلاعات استخراجی متن مصاحبه فقط به مباحثی که به موضوع پژوهش مربوط است، پرداخته و موارد غیر مرتبط و حاشیه‌ای که ارتباطی به موضوع پژوهش نداشتند، حذف شدند. در این مرحله از کل ۲۰۵ گزاره معنادار تعداد ۴۰۴ مفاهیم متناظر استخراج شده است. مفاهیم متناظر استخراجی هر متن مصاحبه در جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۱. خروجی مرحله کدگذاری باز از متن مصاحبه‌ها

مفاهیم متناظر استخراجی از متن مصاحبه‌ها

روند شدن طلاق، شکل‌گیری ازدواج‌های سفید، رواج ازدواج‌های ثبت نشده، افزایش سن ازدواج، مسیر رو به افزایش نرخ طلاق، رواج خانواده تک‌والدی، زوال فرهنگی جامعه، زوال ارزش‌های اخلاقی، جدایی والدین، تربیت نادرست فرزندان، تقلیل احترام و مشورت در بین اعضای خانواده‌ها، روابط جنسی قبل از ازدواج، تنوع طلبی جنسی، پریشانی خانواده، برآورده نشدن نیاز جنسی، فرسایش اخلاقی مداوم، تحلیل ارزش‌های اخلاقی، نیاز به ابراز احساس و هیجان، برنامه‌ریزی مشترک، مدیریت صحیح خانواده، تفاهم، صمیمیت، ایفای نقش‌ها، تفریحات سالم مشترک، حمایتگری، وقت گذاشتن و توجه به همسر

فقدان مهارت‌های اجتماعی، ضعف مهارت‌های ارتباطی، نبود ایجاد صمیمیت و تداوم آن، تکانشی عمل کردن، راهکاری دیدن طلاق، دخالت و اجبار خانواده در ازدواج، بیکاری، فقر، اعتیاد، جایگزینی طلاق بجای آسیب‌های شدیدتر، راهبردی برای دستیابی به آسایش، عدم مسئولیت‌پذیری جوانان، آموزش قبل از ازدواج، کسب مهارت‌های قبل از ازدواج، مهارت‌های تربیت کودک، تعهد، صمیمیت، اشتیاق، آموزش توسط سازمان‌های مردم‌نهاد، اصلاح نگرش‌ها، نیاز به خدمات مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های سازگاری، آموزش ارتباطی با فرزندان، سلامت جنسی و اصلاح روابط زناشویی.

بحرانی شدن طلاق، افزایش فاصله بین بلوغ تا ازدواج، بلوغ زودرس، ازدواج دیرهنگام، آسیب‌های روانی و اجتماعی و اخلاقی، دوستی‌های پرخطر، تاخیر در ازدواج، خلل در بلوغ اقتصادی و اجتماعی، ازدواج بدون آمادگی‌های عقلایی، اتفاقات سوء در دوران مجردی، رها بودن موازین در خانواده، حساسیت روانی و عاطفی، ضعف مهارت‌های ارتباط سالم با جنس مخالف، تحریک‌پذیری جوانان، ایجاد نیازهای کاذب توسط رسانه‌ها، وجود عوامل تشدیدکننده فشارهای روحی روانی و جنسی، آسیب دیدن نظام اجتماعی، هدفمندی غیرسازنده و گسترده رسانه‌ای، افزایش هیجانات ناشی از فیلم‌ها، آموزش و تربیت نامناسب در محیط‌های بیرون از خانواده، نظام‌های برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی شغلی و تربیتی، رشد نیازهای جنسی، رشد عقلانی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی و اقتصادی، رسیدن به بلوغ عقلی، تعهد و مسئولیت، مهارت و آموزش، مشاوره‌های قبل از ازدواج، افزایش شناخت از باورهای خود، معیارهای عقلانی انتخاب همسر، همسان همسری، سلامت جنسی همسران، رضایت زناشویی، هماهنگی.

زنجیره‌وار بودن آسیب‌های اجتماعی، تقویت نظام ارزشی، تغییر ملاک‌های ازدواج، تربیت فرزندان، ایفای نقش نهاد‌های آموزشی، تقویت نقش نهاد‌های موازی، حفظ نظام سنتی خانواده، تربیت مسئولیت‌پذیری، توسعه تعهدات خانوادگی، آموزش مهارت‌های زندگی، گرمی روابط، مزاج‌های جنسی مشابه

ابزاری شدن طلاق، پدیده‌ای برای برقراری امنیت برخی زنان، طلاق‌های معوق و انباشت اختلاف‌ها، راحت شدن فرایند طلاق، آموزش‌های اقتصادی و فرهنگی، برنامه‌ریزی دقیق، شفاف‌سازی سوابق افراد قبل از ازدواج، روابط فرازناشویی، افزایش اعتماد طرفین

فروپاشی هدفمند خانواده، رفع ضعف‌های فرهنگی و آموزشی، مدیریت‌های اشتباه و ناکارآمد، آموزش‌های مهارتی و اجتماعی، تقویت حوزه پیشگیری، پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی، سنجش کارآمدی سیاست‌گذاری‌ها، توافق در فرزند آوری، تلاش برای ساختن زندگی، داشتن دغدغه و آرامش، اقدامات حاکمیتی، افزایش رضایت جنسی

پیشگیری از اعتیاد در خانواده، افزایش شدید اعتیاد، تسهیل در نقش همسرانه و والدی، سالم سازی خانواده، حسادت اعضای آن، مشکلات خانواده، حذف مولفه‌های تهدید کننده ثبات و پایداری خانواده، مشورت با یکدیگر، ترک اعتیاد، دلگرم کردن، آزمایش قبل از ازدواج، حمایت قانونی از زندگی سالم، شرکت در جلسات مشاوره‌ای، توانمندسازی جنسی، افزایش صمیمیت جنسی، روابط جنسی سالم،

آسیب جدی فروپاشی، پیامدی بودن فروپاشی، بحرانی شدن طلاق، مدیریت سن ازدواج، تمرکز بر موقعیت جوانی و ازدواج، تمرکز بر معیارهای عقلانی ازدواج، عقلانیت مقدم بر احساسات، تامین نیازهای اقتصادی، ارضای نیازهای اجتماعی، وجود عشق بین طرفین، برنامه‌های حاکمیتی برای حفظ ثبات خانواده، حمایت کلان از خانواده، خانواده‌گرایی، معنویت‌گرایی، برنامه محور کردن خانواده، آشتی با معنویت، تمرکز بر حل مساله زوجین، تعادل در قدرت زوجین، کوتاه آمدن در اختلاف نظر، حل تنش‌ها، افزایش رضایتمندی، ارائه محبت در خانواده، پیشروی در مسیر حق، زندگی بر پایه محبت، توسعه رفتارهای مثبت در خانواده، ارضای نیاز جنسی، آگاه‌سازی جنسی طرفین.

راهکاری شدن طلاق و فروپاشی، توجه به معیارهای انتخاب سالم، گزینش عقلانی، انتخاب آگاهانه، شناخت زوج قبل از ازدواج، ازدواج با چشم باز، توجه به نیازهای زوجین، دخالت صحیح والدین، تربیت صحیح فرزندان، تمرکز در کانون خانواده، دوری از رفیق بازی،

اصالت ازدواج، کیفیت ازدواج، رضایت از ازدواج، رضایت از زندگی، شناخت بیشتر زوجین از یکدیگر، درک تفاوت‌های همدیگر، درک متقابل، تحمل و سازش، نزدیکی روحی و روانی زوجین به هم، حذف فاصله‌ها، تمرکز بر جذابیت‌های طرفین، جور شدن زوجین با هم، حل مشکلات روان شناختی، رفع استرس‌های زناشویی، افزایش آگاهی برای بهبود روابط زناشویی، تعهدگرایی، اعتمادآفرینی، افزایش مهارت حل مساله، توسعه مهارت‌های زندگی، همسانی شخصیتی زوجین، تمرکز بر ویژگی‌هایی که باعث دوام و غنی شدن ازدواج می‌شود، دوری از عوامل فروپاشی، جذب زوجین به یکدیگر، انسجام زندگی، مهربان و خوش صحبت بودن زوجین، داشتن مهارت حل مساله، مهارت تصمیم‌گیری، مهارت نه گفتن، متانت، صداقت، تعهد و مسئولیت‌پذیری، آمادگی جسمانی، ظاهر مناسب و زیبایی متعارف، قناعت داشتن، فداکاری، گذشت، اجتماعی بودن، هدفمندی و صبور بودن، عدم ازدواج به خاطر فرار از تنهایی، عدم پیروی از هوی و هوس، تصمیم عقلانی به جای احساسی، عشق و عقلانیت همزمان، خردمندی طرفین، سن مناسب برای ازدواج، تمرکز بر پختگی، انتخاب درست، کنترل عصبانیت زوجین، درمان اختلال شخصیت، آگاهی نسبت به نیازهای خود و دیگری، خوش اخلاقی، اعتمادآفرینی، بحث و جدل نکردن، مغرور نبودن، تناسب تیپ شخصیتی زوجین، راستگویی، پرهیز از لجبازی، عدم دهن بینی، خبرچینی نکردن، سرزنش نکردن همدیگر، عدم سلطه‌پذیری، ثبات هیجانی، رفیق باز نبودن، بالا بودن عزت نفس، قضاوت عادلانه، صبر، داشتن جذابیت جنسی برای همدیگر، رابطه زناشویی موثر، صمیمیت جنسی، آموزش‌های مرتبط با روابط زناشویی، آموزش خانواده، روابط بین فردی زوجین پایدار، رضایتمندی، رضایت زناشویی، تعامل مثبت، دوری از بحث و جدل، متهم نکردن یکدیگر، عدم سرزنش و تحقیر کردن یکدیگر، درک یکدیگر، تعلق خاطر، داشتن علائق مشترک، شناخت نسبت به یکدیگر، ازدواج‌های منطقی، ابراز محبت، همدلی و در کنار هم بودن، مشورت کردن، رازداری، وفاداری، صداقت، دوست داشتن و حمایت یکدیگر.

اولویت خانواده، آسیب بودن فروپاشی، فردگرایی و عدم فرزندآوری، فروپاشی برنامه محور خانواده توسط بدخواهان، شکل‌گیری خانواده‌های بی‌تعهد، ازدواج‌های سفید، زندگی در خانه‌های مشترک، ازدواج‌های مصلحتی، تولد فرزندان ناخواسته، رعایت نشدن قواعد ازدواج، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، ترویج فضای سالم زندگی، برنامه‌ریزی‌ها بر پایه حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی خانواده، انسجام‌بخشی اجتماعی، بالا رفتن آمار طلاق، پابندی لازم به نظام خانواده، باهم بودن‌های غیرمسئولیت‌آور، مد شدن پوشش‌های عریان، تقویت روحیه جمع‌گرایی، کم‌رنگ کردن فردگرایی، اولویت دادن به فرزندآوری، خارج کردن خانواده از حالت تنهایی به زوجیت، تقویت کارکرد فرزندآوری خانواده، انسجام‌بخشی خانواده، حفاظت از الگوهای فرهنگی سالم، حمایت از الگوهای فرهنگی سالم، گریز از وادادگی فرهنگی، توجه به مفاخر فرهنگی، توجه به مسائل و آسیب‌های زندگی شهری، حاشیه نشینی و آسیب‌های برخواسته از آن، بی‌بندوباری‌ها، کنترل مفسده‌های سازمان‌یافته،

تسریع شدن روند فروپاشی، وضعیت بحرانی خانواده، زنگ خطر جدی است، نیاز به اقدام عاجل، سلامت جنسی، مولفه پیشینه خانوادگی، مولفه فرهنگی، برقراری روابط موثر بین اعضای خانواده، توسعه رابطه بین والدین و فرزندان، توجه به سلامت روان خانواده، تعهد و مسئولیت‌پذیری، تقویت بنیان خانواده، افزایش محبت خالصانه در فضای خانوارها، ارایه راه‌کارهای عملیاتی، توجه به برنامه‌های علمی، تقویت اقتصاد، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری، رفع بیکاری برای ثبات خانواده، رشد و شکوفایی استعدادهای فطری، به فعلیت رساندن نیازهای جسمی و عقلی، تقویت جایگاه منزلتی خانوار، توسعه منابع اقتصادی برای کسب درآمد، رفع بیکاری و کارآفرینی، راهبرد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای به زوجین، حمایت توسط دولت، پیوندهای درون‌بخشی، تقویت پیوند میان زن و شوهر، آموزش حل تعارض، اصلاح قوانین موجود، تشکیل کارگروه‌های حل اختلاف توسط بزرگان معنوی خانواده‌ها.

کم‌رنگ شدن نهاد خانواده، شکاف در نهاد خانواده، تغییر سبک زندگی، حفظ اصالت خانواده، کنترل فضای مجازی، ارتقای ابزار و امکانات تربیتی، کنترل اعتیاد، نظارت خانواده‌ها بر فضای مجازی، بکار بستن مجموعه‌ای از تخصص‌ها و تلاش‌ها، توجه به نوجوانی و مراحل رشد، بهنجار بودن خانواده، خانواده‌گرایی، آموزش سبک زندگی سالم، تزلزل بنیان نظام خانواده، استحکام نظام خانواده، اسلامی کردن خانواده، هماهنگی زن و شوهر، تناسب و همتایی همسران، همفکری زن و شوهر، حفظ اسرار و رازهای پنهان خانواده، عمل به حقوق و وظایف همدیگر، پذیرش پابندی به حقوق، وفای به عهد، حفظ پوشش زنان، آراستگی زنان در خانه، آراستگی مردان، قضاوت نکردن شتابزده، عدم برخورد‌های شتاب‌زده، داشتن روحیه خوش‌بینانه، نداشتن گمان بد، خیانت نکردن، راستگویی، صداقت، صفا و صمیمیت، ایمان قوی، همرنگی و همدلی، اعتمادسازی، حجاب و عفت، کنترل فساد و فحشا، مدیریت سالم نیازهای جنسی، مهار تنوع طلبی جنسی، افشای اسرار خانواده، احترام به حقوق یکدیگر، توجه به آراستگی ظاهری.

وضعیت قرمز فروپاشی، گسست نهاد خانواده، افزایش اختلافات درون خانواده، مهارت استفاده از رسانه‌ها، تقویت کارکرد حمایتی خانواده‌ها، طرح گفت‌وگوی بین‌نسلی، خانواده محوری، هنجارمند کردن خانواده، مرکزیت و محوریت دادن به خانواده، رفع مشکلات اقتصادی، تشکیل خانواده برای جوانان، رفع نیازهای جنسی و عاطفی، کنترل بندوباری و بی‌عفتی، وفاداری به همسر.

در جدول فوق تعدادی ستون وجود دارد که هر ستون به مفاهیم متناظر استخراج شده از متن یک مصاحبه اختصاص دارد. در مرحله کدگذاری محوری این گزاره‌ها به مفاهیم انتزاعی‌تری تبدیل شده و از تعداد ۴۰۴ گزاره نهایتاً ۳۵ خرده مقوله استخراج شده است.

– کدگذاری محوری و مرتبط کردن مقوله‌ها و خرده مقولات

از لحاظ عملی کدگذاری محوری عمل مرتبط کردن مقوله‌ها با زیر مقوله‌ها یا خرده مقولات در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آنها است. کدگذاری محوری به چگونگی تلاقی مقوله‌ها با یکدیگر و نحوه اتصال آنها نظر دارد. در این مرحله محقق به خلاقیت ویژه‌ای نیاز دارد تا بتواند چندین خرده مقوله را در یک مقوله کلی‌تر

که همه آنها را پوشش می‌دهد، قرار دهد. در این فرایند تعداد زیادی مفاهیم متناظر وجود دارند که به دلیل همپوشانی بالای آنها با همدیگر و بعضاً تکراری بودن بسیاری از این مفاهیم، یک خرده مقوله می‌تواند چندین مفهوم متناظر را نمایندگی کند. مثلاً برای ساختن یک خرده مقوله «اقتصاد محوری» تعداد زیادی مفاهیم از جمله؛ بلوغ اقتصادی، آموزش‌های اقتصادی، تامین نیازهای اقتصادی، تقویت اقتصاد، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری، رفع بیکاری، توسعه منابع اقتصادی برای کسب درآمد، رفع بیکاری و کارآفرینی، راهبرد اشتغال و رفع مشکلات اقتصادی با هم ترکیب شده‌اند. در کدگذاری محوری در تعاطی مفاهیم با یکدیگر به نوعی از اشباع در این قسمت می‌رسیم که پیرو آن موارد تکراری که وجودشان کمکی به غنای تحلیل نمی‌کند، در معنایی بزرگتر قرار گرفته و یا حذف شدند. بر همین اساس از تعداد ۴۰۴ مفهوم متناظر ۳۵ خرده مقوله استخراج شده که آنها به خوبی توانسته‌اند ضمن نمایندگی ۴۰۴ مفاهیم استخراجی، دسته‌بندی مناسبی از یافته‌های کیفی ارائه دهند. در جدول زیر فرایند تجمیع خرده مقولات و تبدیل آنها به یک مفهوم انتزاعی‌تر در جدول نمایش داده شده است.

جدول ۲. خروجی کدگذاری محوری و مقوله سازی

خرده مقولات	مقولات محوری
آموزش حل تعارض	تاکید بر آموزش مداوم
آموزش سبک زندگی سالم	
آموزش مهارت‌های زندگی	
درمان اقتصاد بحران‌زده	تقویت اقتصادی
کارآفرینی و رفع بیکاری	
برنامه‌ریزی شغلی و تربیتی	
اقتصاد محوری	
اصلاح قوانین خانواده	حمایت قانونی از زندگی سالم
برنامه‌ریزی حاکمیتی برای حفظ ثبات خانواده	
حمایتگری نهادی	
آموزش‌های مهارتی	مهارت‌پروری و مهارت‌افزایی
مهارت‌های حل اختلاف و مسایل	
کنترل روابط فزاینده	بازتولید اخلاقی مداوم
حفظ ارزش‌های اخلاقی	
آشنی با معنویت و سالم‌سازی خانواده	مصون‌سازی فرهنگی
حفاظت از الگوهای فرهنگی سالم	
کنترل و مدیریت ولنگاری فرهنگی	
مدیریت سبک زندگی	سبک زندگی سالم
کنترل اعتیاد	
مدیریت بلوغ‌های زودرس	
پهنج‌سازی روابط	
تقدم معیارهای عقلانی	انتخاب عقلانی
رشد مسئولیت‌پذیری	
همسان همسری	

تقویت پیوندهای درونی اعضا	ترمیم طلاق عاطفی توجه به جزئیات زندگی تداوم صمیمیت و سازگاری دو طرفه
اعتمادسازی دوجانبه	رازداری و حفظ اسرار خانواده افزایش صمیمیت جنسی دلگرم‌سازی
خانواده‌گرایی	فرزندآوری تقویت روحیه جمع‌گرایی
مداخله موثر	تشکیل کارگروه حل اختلاف توسط بزرگان خانواده خدمات مشاوره‌ای ایفای نقش نهادی

در مرحله بعد خود این ۳۵ خرده مقوله این قابلیت را داشتند که در یک مقوله کلی‌تر جانمایی شوند؛ به نحوی که دایره پوشش هر مقوله کلی به راحتی شامل خرده مقولات خود باشد. برای مثال در جدول فوق مقوله اصلی «انتخاب عقلانی» توانسته است سه خرده مقوله؛ تقدم معیارهای عقلانی، رشد مسئولیت‌پذیری و همسان همسری را پشتیبانی کند. علاوه بر این برای عمق بخشیدن به تحلیل در مرحله کدگذاری محوری لازم است برای پروراندن مقوله‌ها و ربط دادن آنها به یکدیگر، آنها را در قالب یک چهارچوب پارادایمی طراحی نماید. این مرحله بسیار مهم است، زیرا زمینه‌های پردازش اصلی را فراهم میکند. و روابط و نسبت‌های میان مقوله‌ها مشخص می‌شود. در طول کدگذاری باز مقوله‌های مختلف و متعددی شناسایی می‌شوند. برخی از این مقوله‌ها به پدیده مورد نظر مربوط هستند و برخی از آنها بستری برای بروز پدیده مورد نظر و برخی دیگر علت اصلی بروز پدیده هستند. همچنین برخی دیگر مداخله‌گرایی برای پدیده و برخی دیگر راهبردی برای رسیدن به یک پدیده هستند. در نهایت پیامدهای بروز پدیده نیز در میان مقوله‌های مختلف و متعددی بیرون کشیده می‌شود. مراحل فوق در نظریه زمینه‌ای در نمودار زیر نشان داده شده است.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از تعداد ۱۵ مصاحبه عمیق پیرامون الگوی پیشگیری از فروپاشی خانواده ۸۱۲ دقیقه گفتگوی مفید ضبط شده است.

از کل مصاحبه‌های عمیق تعداد ۲۰۵ مفهوم و گزاره معنادار تفکیک شده است.

گزاره‌های معنادار به لحاظ موضوعی از هم تفکیک و دسته‌بندی شده‌اند و تعداد ۴۰۴ مفاهیم متناظر از آنها بیرون کشیده شده است.

به ازای تعداد زیادی مفاهیم متناظر یک خرده مقوله استخراج شده که این خرده مقوله فصل مشترک و نقطه اشتراک مفاهیم متناظر بوده است. همه مفاهیم متناظر در ۳۵ خرده مقوله جای گرفته‌اند.

خرده‌مقوله‌های دارای ارتباط مفهومی با همدیگر در ۱۲ مقوله محوری همسان با حساسیت نظری محقق گنجانده شده‌اند.

مقوله هسته

نمودار ۱. مولفه‌های مدل استخراجی

تحلیل مولفه‌های مدل استخراجی (خط اصلی داستان)

زمانی که پژوهشگر به تفکر درباره یکپارچه‌سازی می‌پردازد، مدتی است که در داده‌ها غوطه‌ور است و معمولاً در دل احساسی از چیستی پژوهش خود دارد؛ هرچند نتواند آن احساس را به بیان در آورد. یک راه خروج از این بن‌بست آن است که بنشیند و چند جمله وصفی در مورد آنچه گمان می‌کند در داده‌های او در جریان است، بنویسد. شاید چندبار تلاش لازم باشد تا شخص بتواند اندیشه‌هایش را به دقت بیان کند تا در نهایت قصه پدیدار شود. اغلب بازگشت به داده‌های خام و بازخوانی چند مصاحبه فکر محقق را تحریک می‌کند و داستان برآمده از روند کار شکل و شمایل جدیدتری به خود می‌گیرد. بر همین اساس در نظریه مبنایی مقولات استخراجی در سلسله روابطی به شکل یک الگوی مفهومی به هم مرتبط می‌شوند که بیانی از شرایط علی، پدیده مرکزی، بسترها، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست. با استفاده از این الگو می‌توان به طور سیستماتیک درباره داده‌ها فکر کرد و آنها را به صورتی معنادار که برخاسته از متن مصاحبه هاست به یکدیگر مرتبط کرد. بسط و گسترش مقولات و به هم پیوستن آنها به وسیله همان شیوه اصلی تجزیه و تحلیل یعنی طرح پرسش و انجام مقایسه‌ها صورت می‌گیرد.

ایجاد ارتباط فرضی بین خرده مقولات با یک مقوله به وسیله اظهاراتی که به نوع روابط بین آنها و پدیده دلالت می‌کند و در کدگذاری محوری نوع سئوالاتی که پرسیده می‌شوند در حقیقت بر نوع روابط دلالت دارند. با در نظر داشتن سئوالاتی که مقولات را به همدیگر مرتبط سازد به داده‌ها رجوع می‌شود و به جستجوی شواهد و وقایع برای تأیید یا تکذیب پرسش‌های محقق پرداخته می‌شود.

همچنین ارتباط دادن مقولات به مقوله اصلی (محوری) در چهارچوب الگوی پارادایمی صورت می‌گیرد. در این فرایند مقولات برحسب روابط بین آنها مرتب می‌شوند و نظم تازه‌ای شکل می‌گیرد و انطباق پذیری مناسبی با خط اصلی داستان پیدا می‌کند. با استفاده از چنین داستانی به عنوان راهنما، تحلیلگر می‌تواند کار مرتب کردن و دوباره مرتب کردن مقولات را با توجه به پارادایم تا موقعی که به نظر برسد با داستان منطبق است، شروع کند و شرحی تحلیلی از داستان را فراهم آورد. روایت داستان و ترتیب ترادف آنها کلید طبقه‌بندی مقولات به طور وضوح است. در ادامه برای فهم بهتر مولفه‌های مدل هر کدام به تفصیل تشریح خواهند شد.

شرایط علی

شرایط علی یکی از بخش‌های اصلی الگوی مفهومی پژوهش ما هستند. آنها عبارتند از مجموعه‌ای از رویدادها و حوادثی که موقعیت‌ها و مسایل مربوط به وقوع پدیده را خلق می‌کنند و تا حد معین چگونگی و چرایی پاسخ افراد و گروه‌ها را نسبت به آن شرایط توضیح می‌دهند. شرایط علی می‌توانند برخواست از زمان، مکان، فرهنگ، قوانین و مقررات، باورها، اقتصاد، قدرت، عوامل جنسیتی و نیز محیط‌های اجتماعی، سازمان‌ها و نهادهایی که فرد خود را در درون آن می‌بیند، و نیز انگیزه‌ها و گذشته فرد باشد. شرایط علی در این پژوهش از دو مقوله اصلی «اعتمادسازی دوجانبه» و «بازتولید اخلاقی مداوم» و شش خرده مقوله فرعی تشکیل شده است. «اعتمادسازی دوجانبه» یک مفهوم انتزاعی است که محصول چندین رویکرد اعتمادساز به زندگی زناشویی است. آنچه شواهد امر نشان می‌دهد بسیاری از روندهای فروپاشی خانواده دقیقاً به علت نبود مکانیزم‌های اعتمادساز بین زوجین انجام می‌شود. اعتماد سازی باید دوجانبه باشد و مردان و زنان توامان باید برای نجات زندگی زناشویی خویش قدم‌های موثری بردارند. خود مقوله اصلی اعتمادسازی دوجانبه علاوه بر اشاره مستقیم به گزاره‌های اعتمادساز در زندگی، شامل خرده مقولات؛ رازداری و حفظ اسرار خانواده، افزایش صمیمیت جنسی و دلگرم‌سازی است. بر همین اساس این موارد کلی می‌تواند از مهمترین علت‌ها و دلایل پیشگیری از فروپاشی خانواده باشد. اضافه بر این در مقوله اصلی دوم یعنی «بازتولید اخلاقی مداوم» نیز مسایل اخلاقی و تمرکز بر آنها خود دلیل محکمی برای پیشگیری از فروپاشی خانواده است. اخلاقیات نه تنها در فضای شخصی زندگی، بلکه در تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی مقوله‌ای کاربردی برای پیشگیری از شکل‌گیری آسیب‌های مختلف است. در فضای خانواده «بازتولید اخلاقی مداوم» به معنی دور نشدن از اخلاقیات است. بازتولید اخلاقی مداوم به عنوان یک مفهوم انتزاعی از سه خرده مقوله؛ کنترل روابط فرازناشویی، حفظ ارزش‌های اخلاقی و آشتی با معنویت و سالم‌سازی خانواده تشکیل شده است. هر کدام از این خرده مقولات حاوی گزاره‌های اخلاقی گوناگونی هستند که از کنترل رفتارهای فرازناشویی و رفتارهای خارج از چارچوب گرفته تا حفظ ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌توانند در پیشگیری از فروپاشی خانواده موثر و تعیین کننده اند..

بسترها

بسترهای شکل‌گیری یک پدیده وضعیتی هستند که از آنها به عنوان شرایط زمینه‌ای هم یاد می‌کنند. این بسترها زمینه وقوع یک پدیده را تسهیل می‌کنند. این بسترها مجموعه‌ای از شرایط خاص هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا اوضاع یا احوال و مسایلی را به وجود آورند که اشخاص تعامل‌های

خود را در آن شرایط تنظیم می‌کنند. برای مثال اگر بخواهیم پیش‌بینی کنیم که پیشگیری از فروپاشی خانواده چگونه محقق می‌شود، لازم است بسترهای این پیشگیری شناخته شوند. بنابراین برای پیشگیری از فروپاشی خانواده دو بستر یا شرایط زمینه‌ای مهم مانند «تقویت اقتصادی» و «مداخله موثر» تاثیرگذار و تعیین کننده هستند. در اولین مقوله مسایل اقتصادی بسیار پررنگ هستند و به نحوی اگر چنین بستری برای تحقق وجود نداشته باشد، عملاً پیشگیری از فروپاشی خانواده با مشکل روبرو می‌شود. مشاهدات تجربی و بنیان‌های نظری متعددی نشان داده که دلایل اقتصادی یکی از دلایل مهم تقاضای جدایی در بین زوجین بوده است. این مسایل از بیکاری گرفته تا عدم تامین مالی همسر توانسته زمینه‌ساز بروز بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی شود. مقوله اصلی «تقویت اقتصادی» مستقیماً به این مسایل می‌پردازد و خود این مقوله از ترکیب چهار خرده مقوله؛ درمان اقتصاد بحران‌زده، کارآفرینی و رفع بیکاری، برنامه‌ریزی شغلی و تربیتی و اقتصاد محوری به دست آمده است و همه آنها مهمترین بستر برای پیشگیری از فروپاشی خانواده هستند. چرا که تاثیر مسایل اقتصادی بر فروپاشی یک ازدواج، امری بدیهی شده است و ممکن است اوضاع بد اقتصادی خانواده و بیکاری سرپرست خانواده و مشکلات و مسائل مالی هر یک از زوجین، علت اولیه و اصلی طلاق نباشد، اما می‌تواند سطح رضایت زناشویی را کاهش دهد و کاهش رضایت زناشویی خود دلیل فروپاشی از خانواده می‌شود. بر همین اساس لازم است با اصلاح اقتصادی از سطح خرد تا کلان بستری سازنده برای پیشگیری از فروپاشی خانواده فراهم گردد. علاوه بر توجه به این بستر کارساز یک مداخله سازنده و خردمندانه نیز می‌تواند بستر مهمی برای پیشگیری از فروپاشی خانواده باشد. «مداخله موثر» به مکانیزم‌هایی اشاره دارد که مداخله آنها پیشگیری را امکانپذیرتر می‌کند. مداخله‌های موثر شامل سه خرده مقوله مهم؛ تشکیل کارگروه‌های حل اختلاف توسط بزرگان و صاحبان خرد و تجربه خانواده، خدمات مشاوره‌ای و ایفای نقش نهادی است. در موارد زیادی به ویژه در بین زوجین جوان و کم تجربه که با یک اختلاف جزئی ابراز ناامیدی و تمایل به جدایی می‌کنند، یک مداخله از طرف بزرگان خانواده می‌تواند اختلاف نظرها را حل کرده و پیوندهای زناشویی را بین جوانان مستحکم‌تر کند. در شرایط بروز اختلافات زناشویی اگر مداخله بزرگان خانواده کارساز نبود، استفاده از خدمات مشاوره‌ای در همه کشورهای دنیا امری مرسوم است و استفاده از این خدمات به همه خانواده‌های دارای اختلاف توصیه می‌شود. در نهایت اگر همه این راهبردها کارساز نبود، برخی از نهادهای دولتی و غیردولتی جامعه می‌توانند با ایجاد ساز و کارهای مناسب به طور مستقیم و غیرمستقیم بر عدم تشدید اختلافات، حل تعارضات، تعویق اجرای تصمیم به جدایی و دادن فرصت‌های بیشتر به همدیگر تاثیر داشته باشند.

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر در الگوی مفهومی شرایطی هستند که ضمن شتابدهی یا بازداندگی در وقوع پدیده مرکزی، شرایط علی را تخفیف یا تغییر می‌دهند. شرایط مداخله‌گر اکثراً برخاسته از اوضاع و احوال نامنتظره و اتفاقی‌اند که لازم است با عمل و تعامل به آنها پاسخ داده شود. شرایط مداخله‌گر می‌توانند دلایل تمایل به ادامه پیشگیری از فروپاشی خانواده و یا عدم تمایل به حفظ زندگی مشترک را توضیح دهند. بر همین اساس شرایط مداخله‌گر در این بررسی شامل دو مقوله اصلی «مصون‌سازی فرهنگی» و «انتخاب عقلانی» است. در راستای بررسی پیشگیری از فروپاشی خانواده این دو مفهوم کلی می‌تواند باعث پیشگیری شوند و به نوعی به عنوان بازدارنده در فروپاشی از خانواده عمل کنند. «مصون‌سازی فرهنگی» برای جامعه یک راهبرد

بازدارنده مهم است و توجه و تمرکز بر آن می‌تواند از بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی پیشگیری کند. مصون‌سازی فرهنگی به عنوان یک مقوله انتزاعی محصول دو خرده مقوله مهم حفاظت از الگوهای فرهنگی سالم، و کنترل و مدیریت ولنگاری فرهنگی است. امروزه در جامعه ایران برخی مصادیق ناسالم و غیرفرهنگی مانند ازدواج‌های سفید و هم‌خانه‌ای‌های قبل از ازدواج در برخی کلان‌شهرها پدیدار شده است که به مثابه یک رفتار ضد فرهنگی مستقیماً الگوی فرهنگی سالم نظام خانواده را هدف قرار داده است. این الگوهای فرهنگی ناسالم تمایل و انگیزه جوانان را برای شروع یک زندگی سالم و پایدار کمتر کرده و حتی در برخی زندگی‌های معمول هم باعث فرار زوجین از کارکرد اصلی خانواده، یعنی فرزندآوری شده است. از طرف دیگر مصادیقی مانند نگهداری از حیوان خانگی جای خود را به نگهداری از کودک و فرزندآوری داده و رشد روزافزون این مصادیق هر روز خانواده را به فروپاشی و زوال ارزش‌های فرهنگی نزدیک می‌کند. بر همین اساس توجه به مسایل فرهنگی می‌تواند بازدارنده مهمی از فروپاشی خانواده در زندگی امروزی باشد. علاوه بر این کنترل برخی از مظاهر معیوب فرهنگی نیز خود به خود به بقای زندگی سالم در جامعه کمک خواهند کرد. از دیگر مداخلات بازدارنده به موقعیت قبل از ازدواج جوانان بر می‌گردد. جوانان قبل از انتخاب زوج با «انتخاب عقلانی» بقای زندگی مشترک را در آینده تضمین می‌کنند. امروزه بسیاری از ازدواج‌های ناموفق که به فروپاشی منتهی شده‌اند، دقیقاً به خاطر فقدان عنصر عقلانیت در آنها بوده است. عقلانیت در تمام مراحل زندگی به ویژه در انتخاب همسر می‌تواند تضمین یک زندگی سالم در آینده باشد. مفهوم انتخاب عقلانی بسیار گسترده است، اما در این پژوهش مشمول بر سه خرده مقوله؛ تقدم معیارهای عقلانی، رشد مسئولیت‌پذیری و همسان همسری است. در زندگی‌های مشترکی که انتخاب نه بر اساس احساسات، بلکه بر پایه عقلانیت شکل گرفته زندگی سالمتر و پایدارتری به چشم می‌خورد. بنابراین گام اول در شتابدهی به پیشگیری از فروپاشی همان انتخاب عقلانی است. عقلانیت به رشد مسئولیت‌پذیری هم منجر می‌شود و افراد مسئول و مسئولیت‌پذیر افرادی دارای عقلانیت رشد یافته‌ای هستند. چرا که فرد مسئولیت‌پذیر با سهیم شدن در یک زندگی مشترک بر اساس رعایت معیارهای عقلانی خودش در تمام ابعاد زندگی مشترکش مسئولیت و عواقب رفتار و اعمال خود را خواهد پذیرفت. علاوه بر این امروزه در بسیاری از خانواده‌های بهنجار زن و شوهر دارای تشابهات زیادی هستند. این حجم تشابه و نزدیکی به هم را در مشاوره و روانشناسی جامعه‌شناسی خانواده به عنوان همسان همسری می‌شناسند. همسان همسری به بیان ساده مبتنی بر انتخاب همسر در چارچوب و محدوده خاصی است و عواملی همچون شباهت، تناسب و همانندی زن و شوهر تعیین‌کننده مرزهای ازدواج است و یکی از عوامل اصلی پیوند ازدواج میان زن و مرد وجود مشترکات میان آنها از جمله؛ خلق و خوی، فرهنگ، باورها و اعتقادات، طبقه اجتماعی، شرایط محیطی و جغرافیایی، سلاقت، شیوه‌های حل اختلاف، اهداف، نگرش‌ها و به طور کلی همسانی و همگونی زوجین است. همسان همسری شتابدهنده پیشگیری از فروپاشی خانواده است و یکی از عوامل مهم فروپاشی نظام خانواده، عدم تفاهم زوجها و عدم همگونی و همسانی آنها است. بنابراین همسان همسری به عنوان جنبه‌ای رشدیافته از عقلانیت زوجین تاثیر مسقیم بر پیشگیری از فروپاشی خانواده دارد.

استراتژی‌ها

استراتژی یا راهبردهای موجود مفهومی مدیریتی برای ایجاد تغییر است. در کلی‌ترین تعریف راهبرد به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آنها است. در راستای پیشگیری از فروپاشی خانواده می‌توان به اهمیت راهبردها پی‌برد، چرا که پیشگیری از فروپاشی به عنوان یک هدف مقبول برای جامعه نیازمند داشتن راهبردهایی است که قابلیت اجرایی داشته باشند. برخی حوزه‌های دانشی از راهبردها به عنوان تاکتیک‌هایی یاد می‌کنند که مردم و سازمان‌ها برای تحقق اهداف خود به کار می‌گیرند. راهبردها کنش‌هایی با منظور و عمدی هستند که برای حل یک مساله صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آنها پدیده از مسیری به مسیری دیگر هدایت میشود. در این پژوهش سه راهبرد اصلی برای پیشگیری از فروپاشی خانواده احصاء شده‌اند. این سه راهبرد که به نحوی سه مقوله اصلی و انتزاعی هستند شامل؛ «تاکید بر آموزش مداوم»، «مهارت پروری و مهارت افزایی» و «حمایت قانونی از زندگی سالم» بوده که هر کدام به تنهایی یا با وجود دیگر راهبردها بر پیشگیری از فروپاشی خانواده تاثیر دارند. البته این راهبردها می‌توانند در هماهنگی با هم باشند یا نباشند. مقوله اصلی «تاکید بر آموزش مداوم» خود از ترکیب سه خرده مقوله؛ آموزش حل تعارض، آموزش سبک زندگی سالم و آموزش مهارت‌های زندگی به دست آمده است. به طور کلی همه سه خرده مقوله این قابلیت را دارند که در یک مقوله اصلی‌تر به نام تاکید بر آموزش مداوم جانمایی شوند و این شامل همه آن چیزهایی است که از طریق آموزش می‌توان زندگی‌های زناشویی را به سوی تحکیم سوق داد. آموزش نه تنها در زندگی زناشویی، بلکه در همه حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و... نیز یک راهبرد اساسی است. در بستر ازدواج‌های شکننده راهبرد آموزش می‌تواند به توانمندسازی افراد و استحکام زندگی آنها کمک کند. آموزش جنبه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، اما در این وضعیت آموزش برای حل تعارضات زناشویی و سبک زندگی سالم‌تر و حتی آموزش برای کسب مهارت‌های زندگی راهبردهایی هستند که می‌توان برای نجات زندگی‌های شکننده به آنها اتکا کرد. علاوه بر این به طور اختصاصی تداوم زندگی مشترک به داشتن قابلیت‌ها و مهارت‌هایی نیاز دارد که بتوان در سایه این مهارت‌ها مولفه‌های بقای زندگی مشترک را تقویت کرد. مقوله اصلی «مهارت پروری و مهارت افزایی» دقیقاً به همین مساله تمرکز دارد که می‌توان به واسطه آموزش این مهارت‌ها، می‌توان از فروپاشی نهاد خانواده پیشگیری کرد. «مهارت پروری و مهارت افزایی» خود دارای دو خرده مقوله اصلی؛ آموزش‌های مهارتی و مهارت‌های حل اختلاف و مسایل است. بر همین مبنا می‌توان گفت افزایش دامنه اختلافات در یک زندگی مشترک از فقدان داشتن برخی مهارت‌های ارتباطی و شخصی ناشی می‌شود که هریک از طرفین نتوانسته‌اند مسایل خود را حل و فصل کنند. بنابراین تجهیز افراد به این مهارت‌ها می‌تواند راهبرد پیشگیری از فروپاشی را تقویت کند. نهایتاً راهبرد مهم دیگری که نقشی بی‌بدیل در حفظ زندگی‌های امروزی دارد به مساله «حمایت قانونی از زندگی سالم» بر می‌گردد. امروزه جاری شدن در مسیر جدایی در بعضی خانواده‌ها آسان‌تر از مراسم عقد و ازدواج است و با کمترین زمان زوجین دارای توافق می‌توانند پرونده جدایی خود را مختومه کنند و سازوکارهای کارآمدی برای مداخله در پیشگیری از آن به تناسب اهمیت موضوع مورد تدبیر قرار نگرفته است. این «حمایت قانونی از زندگی سالم» می‌تواند در سه خرده مقوله یا راهبرد جزئی‌تر مانند؛ اصلاح قوانین خانواده، برنامه‌ریزی حاکمیتی برای حفظ ثبات خانواده و حمایتگری نهادی خود را نشان دهد. به طور کلی حاکمیت‌ها و دولت‌ها با تصویب قوانینی می‌توانند از شکل‌گیری خانواده‌های جدید و حفظ

خانواده‌های موجود با اعمال سیاستگذاری برنامه‌ریزی شده توسط فرهیختگان اقدام کنند. این سیاستگذاری‌ها و حمایت‌های قانونی و نتایج حاصل از آن را در کشورهای مختلف میتوان مورد بررسی قرار داد و متناسب با فرهنگ و اقتضائات کشورمان تدابیری را سازماندهی و نهادینه کرد که مراحل جدایی اگر ضرورت یافت حتماً با درایت و دیدن همه جوانب و رفتن همه راه‌های گریز از آن صورت پذیرد. نهایتاً این راهبردهای مهم می‌توانند با هم و در کنار هم و حتی به صورت جداگانه تاثیر سازنده‌ای بر پیشگیری از فروپاشی خانواده داشته باشند.

پیامدها

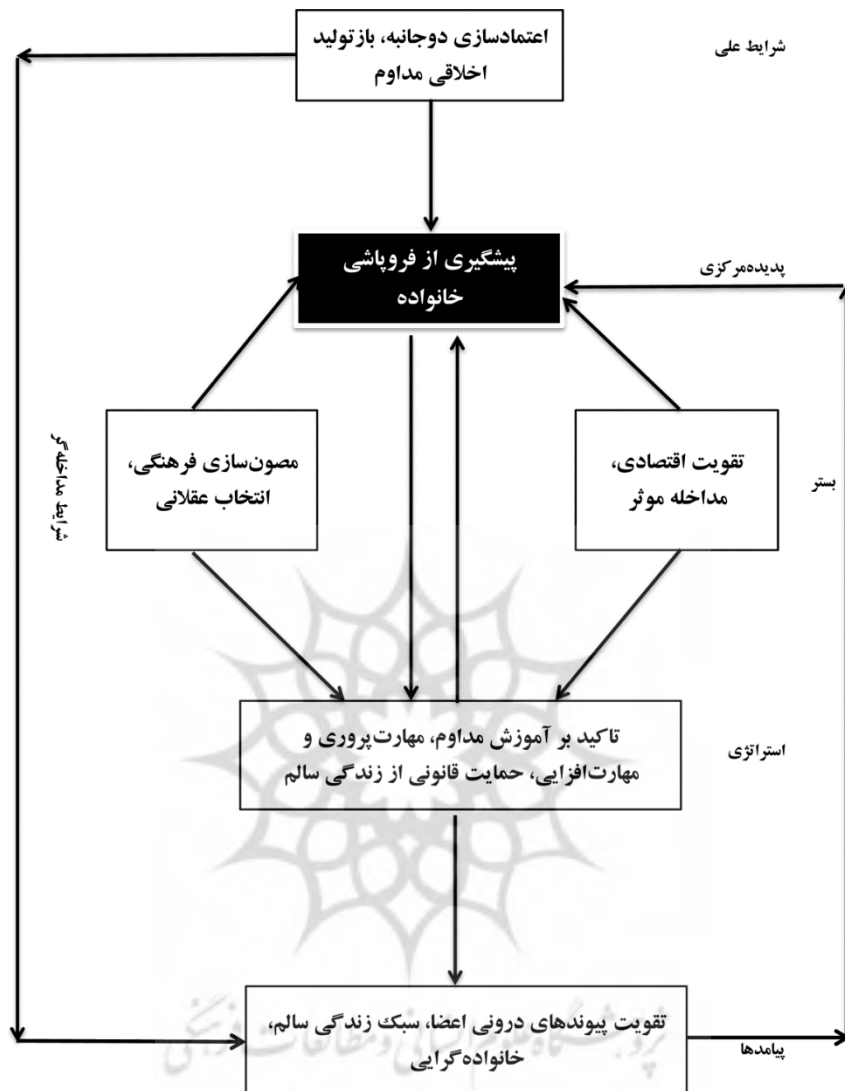
پیامدها در یک الگوی مفهومی نقشی دوگانه دارند. پیامدها هم نتیجه و هم علت هستند. هر جا انجام یا عدم انجام عمل در پاسخ به امر یا مساله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید. برخی از این پیامدها خواسته و برخی ناخواسته هستند. پیامدها نیز مانند شرایط ویژگی ذاتی خود را دارند و می‌توانند کوتاه مدت یا بلند مدت باشند. همچنین پیامدها علاوه بر پنهان یا آشکار بودن، می‌توانند فوری یا تدریجی باشند. به طور کلی پیامدها میتوانند قابلیت پیش‌بینی پذیری داشته باشند. در بحث پیشگیری از فروپاشی خانواده پیامدهایی وجود دارند که هم نتیجه این پیشگیری قلمداد شده و هم خود پیامدها می‌توانند علتی برای پیشگیری از فروپاشی خانواده باشند. پیامدهای به دست آمده در این پژوهش کیفی شامل سه مقوله اصلی «تقویت پیوندهای درونی اعضا»، «سبک زندگی سالم» و «خانواده‌گرایی» است که هر سه مورد نیز از تجمع چندین خرده مقوله به دست آمده‌اند. مثبت بودن این پیامدها به این خاطر است که نتیجه مطلوبی بر پیشگیری از فروپاشی خانواده دارند و از آن طرف هم علتی برای پیشگیری هستند و نقشی بازدارنده در فروپاشی نظام خانواده ایفا می‌کنند. در اولین مقوله «تقویت پیوندهای درونی اعضا» سه خرده مقوله؛ ترمیم طلاق عاطفی، توجه به جزئیات زندگی و تداوم صمیمیت و سازگاری دو طرفه وجود دارد. ترکیب این سه خرده مقوله و ساخت یک مفهوم انتزاعی‌تر با عنوان تقویت پیوندهای درونی اعضا به این دلیل است که تقویت پیوندها راه صلاح خواهد بود و همه خرده مقولات را تحت پوشش قرار می‌دهد. امروزه خانواده‌هایی هستند که به دلیل بافت سنتی خود و یا داشتن تبعات طلاق و..... گونه دیگری از طلاق را تجربه می‌کنند که از آن به عنوان طلاق عاطفی یاد می‌کنند. طلاق عاطفی نوعی از جدایی است که در آن زن و شوهر اگر چه با هم در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما هیچ مهر و محبت و عاطفه‌ای بین آن‌ها حاکم نیست، این فقدان ارتباط عاطفی موثر زوجین می‌تواند کوتاه مدت و یا می‌تواند بلند مدت باشد. این گونه طلاق‌ها برخلاف طلاق واقعی قابل ترمیم است و با مداخلاتی سنجیده می‌توان روابط بین زوجین را بهبود بخشید. بنابراین ترمیم طلاق عاطفی از طریق راهبردهای تقویتی پیوندهای بین اعضا هم پیامد مطلوب و هم علتی مفید برای پیشگیری از فروپاشی خانواده است. علاوه بر این موفقیت در این عرصه مستلزم داشتن توجه کافی به جزئیات زندگی است. جزئیاتی که فرد ناخواسته با نادیده گرفتن آنها از زوج خود فاصله گرفته و جدایی بین آنها ریشه دار شده است. بر همین اساس لازم است تا با افزایش توجه به جزئیات زندگی و تداوم صمیمیت و سازگاری پیوندهای بین زوجین را محکم کرد. پیامد دیگر که از نتایج مهم پژوهش است «سبک زندگی سالم» است. سبک زندگی شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است، تعریف می‌شود. سبک زندگی سالم

در ساده‌ترین بیان خود، فرد را از آسیب‌های جسمانی و روحی دور می‌کند و خانواده‌ها از گزند فروپاشی حفظ می‌کند. به طور کلی افراد دارای سبک زندگی سالم برای دور ماندن از آسیب اجتماعی و یا همچنین آسیب‌های روحی و روانی تلاش می‌کنند، خود را در محیط مناسب قرار دهند و معاشرت‌های سالم‌تری دارند و از نزدیک شدن به هر رفتاری که به واسطه آن به خود و دیگران آسیب می‌زند دور می‌مانند. این افراد در زندگی زناشویی خود نیز موفقیت بالایی را تجربه می‌کنند و مدیریت مناسبی در زندگی فردی و اجتماعی خود اعمال می‌کنند. سبک زندگی سالم مجموعه گزاره‌هایی از کنترل زندگی تا کنترل اعتیاد و آسیب‌ها و بلوغ و حتی بهنجارسازی روابط را نیز شامل می‌شود. بر همین اساس افراد دارای سبک زندگی سالم به راحتی در زندگی خود مدیریت سازنده‌ای اعمال می‌کنند و بر همه فرایندها و جریان‌های موافق و مخالف زندگی تسلط دارند. سبک زندگی سالم هم نتیجه راهبردهای پیشگیرانه از فروپاشی خانواده و هم عاملی برای پیشگیری از فروپاشی است که نهایتاً مقوله مهم «خانواده‌گرایی» را به دست داده است. خانواده‌گرایی دقیقاً در مقابل فروپاشی خانواده قرار می‌گیرد. خانواده‌گرایی، یک ارزش فرهنگی که بر روابط خانوادگی گرم، صمیمی و حمایتی تأکید می‌کند و خانواده بر خود اولویت دارد. به طور کلی خانواده‌گرایی الگویی اجتماعی است که در آن خانواده و جمع‌گرایی بر منافع فردی برتری می‌یابد. از طرفی هم خانواده‌گرایی ساختار اجتماعی است که در آن نیازهای خانواده اهمیت بیشتری دارد و بر نیازهای هر یک از اعضای خانواده ارجحیت دارد. نمونه‌ای از خانواده‌گرایی زمانی است که ارزش‌های خانواده نسبت به ارزش‌های تک تک اعضای خانواده ارجحیت دارد. این مقوله اصلی از دو خرده مقوله مهم فرزند آوری و تقویت روحیه جمع‌گرایی تشکیل شده است. اهمیت این مقولات به گونه‌ای است که چنین وضعیتی به جوانان کمک می‌کند تا در موقعیت‌های تهدید کننده خانواده برنامه حل مشکل داشته باشند و این کار در وضعیت فرزندآوری خانواده فرصتی برای حمایت اجتماعی از اعضا را فراهم آورده و به تقویت روحیه جمع‌گرایی منجر می‌شود. به طور کلی مفهوم خانواده‌گرایی هم یک نتیجه مقبول و هم مولفه‌ای تاثیرگذار بر پیشگیری از فروپاشی خانواده است.

ترسیم الگوی مفهومی

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که شناسایی مولفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده در شرایط مختلفی اتفاق می‌افتد. مشارکت کنندگان رویکردهای متفاوتی را در راستای پیشگیری از فروپاشی خانواده بیان کرده‌اند. همه آنها در این مساله که اساساً آرایه الگوهای پیشگیری از فروپاشی خانواده متناسب با فرهنگ و شرایط ملی و قومی ما در سطح کشور ممکن است، اتفاق نظر دارند، اما هر کدام از رویکردی متفاوت به این مقوله نگاه کرده‌اند و پاسخ‌های متفاوتی به سوال اصلی پژوهش داده‌اند. در یک رویکردی جمع‌گرا و ایجابی می‌توان همه یافته‌ها را در یک نمای مفهومی برای فهم بهتر ترسیم کرد. به طور طبیعی این الگو دارای بخش‌های؛ شرایط علی، پدیده، بستر، شرایط مداخله‌گر، استراتژی و پیامد است. پدیده مرکزی این مدل، پیشگیری از فروپاشی خانواده است که محور سوالات مصاحبه کیفی بوده است. پدیده مرکزی به نحوی هسته پاسخگویی به سوالات پژوهش است و سوالاتی که حول این پدیده شکل گرفته‌اند، پاسخ می‌یابند. پیشگیری از فروپاشی خانواده به عنوان هسته مرکزی بر سه مقوله اصلی دلالت دارد و این سه مقوله شامل؛ پیشگیری از عادی شدن طلاق، پیشگیری از راهکاری شدن طلاق و مرسوم نشدن جدایی است که همه پاسخگویان در راستای پیشگیری از فروپاشی خانواده بر این سه اصل اتفاق نظر دارند. از مهمترین

مولفه‌ها شرایط علی هستند که از دو جنبه «اعتمادسازی دوجانبه» و «بازتولید اخلاقی مداوم» تشکیل شده است. شرایط علی هم مستقیماً بر پدیده مرکزی و هم بر پیامدهای به دست آمده تاثیر می‌گذارد. از دیگر مولفه‌ها بسترهای تاثیرگذار بر پدیده مرکزی هستند. بسترهای موجود شامل تقویت اقتصادی و مداخله موثر هستند که وضعیتی دوگانه دارند. این بسترها مستقیماً بر پدیده مرکزی و راهبردها تاثیر دو گانه دارند. علاوه بر این شرایط مداخله‌گر شامل «مصون‌سازی فرهنگی و انتخاب عقلانی» نیز چنین وضعیتی دارند. این شرایط نیز دقیقاً مانند بسترها هم بر پدیده مرکزی و راهبردها تاثیر مستقیم دارند. از دیگر مولفه‌های کاربردی استراتژی یا راهبردها هستند. این راهبردها از سه مقوله اصلی؛ تاکید بر آموزش مداوم، مهارت‌پروری و مهارت‌افزایی و حمایت قانونی از زندگی سالم تشکیل شده است. به عبارت دیگر این سه راهبرد مهم می‌توانند رابطه دو سویه با پدیده مرکزی پیشگیری از فروپاشی خانواده داشته باشند، یعنی هم بر پیشگیری از فروپاشی خانواده تاثیر دارند و هم از آن تاثیر می‌پذیرند. علاوه بر این استراتژی‌ها می‌توانند تاثیر مستقیمی هم بر پیامدها داشته باشند. خود پیامدها نیز شامل سه مقوله اصلی؛ تقویت پیوندهای درونی اعضا، سبک زندگی سالم و خانواده‌گرایی است. این پیامدها نیز رابطه‌ای دو سویه با پدیده مرکزی دارند و هم تاثیرگذاری و هم تاثیرپذیری وجود دارد. شمای کلی شرح داده شده در شکل زیر به تصویر درآمده است.



نمودار ۲. مدل پارادایمی نهایی پژوهش

– کدگذاری گزینشی یا یکپارچه سازی

در مرحله کدگذاری باز محقق از متن مصاحبه‌ها گزاره‌های معنادار و از گزاره‌های معنادار مفاهیم متناظری را استخراج کرده و سپس به مقوله‌بندی و خلاصه سازی مفاهیم پرداخته است. در کدگذاری محوری نیز مقوله‌ها به طور منظم دسته‌بندی شده و به زیر مقوله‌های مرتبط با خود متصل شده‌اند. علاوه بر این از ترکیب تعداد چندین خرده مقوله یک مفهوم انتزاعی تر به دست آمده که چند خرده مقوله و چندین گزاره را پوشش می‌دهند. در نهایت در کدگذاری محوری با پیوند دادن مقولات اصلی و جانمایی آنها در یک مدل، مولفه‌ها در الگوی مربوطه قرار گرفتند. اما تا زمانی که همه مولفه‌ها با هم ترکیب نشوند و طرح نظری بزرگتری شکل ندهند، یافته‌های پژوهش در مسیر پردازش نظریه قرار نمی‌گیرند. بنابراین برای این کار باید کدگذاری گزینشی را انجام داد تا از این طریق یکپارچه‌سازی آنها پردازش فوق صورت بگیرد. این مقوله

هسته به یکباره شکل نگرفته و پس از کند و کاو چندین مرحله‌ای و بالا و پایین شدن مقوله‌ها به دست آمده و کاملاً بر اساس داده‌های مصاحبه‌ها و سطح خلاقیت نظری محقق احصا شده است. مقوله هسته اصلی به دست آمده نماینگر مضمون اصلی پژوهش است و حاصل همه تحلیل‌ها در یک جمله است. بر همین اساس «پیشگیری از فروپاشی خانواده به علت اعتمادسازی دوجانبه و بازتولید اخلاقی مداوم در بستر تقویت اقتصادی و مداخله موثر فرهنگ و عقلانیت با راهبردهای آموزشی و مهارتی توأم با حمایت قانونی از زندگی سالم به پیامدهای تقویت پیوندهای درونی، سبک زندگی سالم و خانواده‌گرایی منجر می‌شود». این مقوله هسته جان کلام نظریه به دست آمده است که در آن بسترها و زمینه‌ها و راهبردها و پیامدها همه حضور دارند و به عنوان یک نقشه راه نسخه‌ای برای پرداختن آگاهانه و راه حل مدار به مسئله فروپاشی خانواده است. هرچند برخی از مولفه‌های موجود را در دیگر ادبیات نظری می‌توان یافت اما اینکه آنها برآمده از جان و جهان شخصی مصاحبه‌کنندگان باشد به آن صورت اختصاصی می‌دهد و در اجتماع با یکدیگر منجر به پردازش دیدگاه مشترکی می‌شود که آنان در یک گفتگوی مفصل بدون سوگیری در مورد پیشگیری از فروپاشی خانواده با محقق به صحبت نشستند. روند مذکور با انجام ۱۵ مصاحبه عمیق و احصاء مفید ۸۱۲ دقیقه مصاحبه و گفت‌و شنود علمی پیرامون مسایل خانواده و پیشگیری از فروپاشی شکل گرفته که از این ۱۵ مصاحبه ۲۰۵ گزاره معنادار و از این گزاره‌های معنادار تعداد ۴۰۴ مفاهیم متناظر استخراج شده است. مفاهیم متناظر استخراجی در موارد تشابه با همدیگر ترکیب شده و تبدیل به ۳۵ خرده مقوله اساسی شده‌اند. فضای مفهومی این ۳۵ خرده مقوله به گونه‌ای است که همه ۴۰۴ مفهوم متناظر را تحت پوشش قرار داده است. در نهایت ۳۵ خرده مقوله در ۱۲ مقوله اصلی دسته‌بندی شده‌اند، که شاکله اصلی نظریه استخراجی پژوهش هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده از ارکان اساسی جامعه به شمار می‌رود و آسیب‌هایی که متوجه خانواده بشوند، کلیت نظام اجتماعی را نشانه می‌گیرند. همچنین اعضای یک خانواده هر کدام به نوعی عناصر بی بدیل این سازمان بنیادین اجتماعی هستند. لذا هر گونه رفتار و عملکردی که از خانواده برخیزد در تمامی ساختار جامعه تاثیر می‌گذارد و خود را به اشکال مختلف و در گستره و عمق‌های متفاوت نشان می‌دهد. بر همین اساس پیشگیری از فروپاشی خانواده یک سیاست کلی برای همه جوامع انسانی است. ادبیات نظری موجود نشان از آن دارد که فروپاشی خانواده امر نامطلوبی است و کانون محبت خانواده را از بین می‌برد. علاوه بر این پدر و مادر را از هم جدا می‌کند که این برای آینده خود آن‌ها و مهم‌تر از آن، فرزندان معمولاً مخاطره آمیز است؛ چه بسا که فرزندان به انحراف کشیده شوند و آینده آن‌ها به تباهی رود. بررسی وضعیت رو به رشد از هم‌گسست زندگی‌های خانوادگی در میان زنان و مردان، با تعبیر مختلفی همراه است. بر همین اساس رویکردهای نظری موجود و ادبیات پژوهشی مرتبط با این پدیده علیرغم تلاشی که به خرج داده اند هنوز چالش‌های قابل توجهی را با خود به همراه دارند و در مجموع کارآمدی آنها به گونه‌ای بوده که قادر به کاهش آمار رو به فزونی جدایی‌ها به نحو متناسب با اهمیت موضوع نشده‌اند. طبیعتاً دلایل فراوانی را ممکن است بتوانیم برای این واقعیت بیان کنیم که خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد لیکن یکی از این دلایل که امروزه مورد

اتفاق نظر اکثر صاحب نظران قرار دارد میزان تطبیق پذیری نظریات ارائه شده با واقعیت‌های میدانی و مختصات و ویژگیهای اختصاصی جوامع از جمله جامعه ایرانی است. بر همین اساس به نظر میرسد لازم است به مولفه‌هایی دست پیدا کنیم که بیشترین قرابت ممکن را با خصوصیات جامعه هدف داشته باشد و از بستر همان محیط استخراج شده باشد. لذا کوشش شد تا در این پژوهش بر همین مبنا با استفاده از دانش و تجارب مشارکت کنندگان که خود سالیان متمادی به انحاء مختلف به طور جدی در نظر و عمل درگیر با موضوع بوده اند مولفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده شناسایی و الگوی مفهومی متناسب با آن تدوین شود. از این رو در تحلیل نتایج ۱۵ مصاحبه عمیق بر اساس سه مرحله کدگذاری با بیش از ۲۰۵ گزاره معنادار، ۴۰۴ مفهوم و ۳۵ مقوله فرعی و ۱۲ مقوله اصلی و یک مقوله هسته به دست آمد که شامل؛ تاکید بر آموزش مداوم، تقویت اقتصادی، حمایت قانونی از زندگی سالم، مهارت‌پروری و مهارت‌افزایی، بازتولید اخلاقی مداوم، مصون‌سازی فرهنگی، سبک زندگی سالم، انتخاب عقلانی، تقویت پیوندهای درونی اعضا، اعتمادسازی دوجانبه، خانواده‌گرایی و مداخله موثر است که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته به نام «پیشگیری از فروپاشی خانواده به علت اعتمادسازی دوجانبه و بازتولید اخلاقی مداوم در بستر تقویت اقتصادی و مداخله موثر فرهنگ و عقلانیت با راهبردهای آموزشی و مهارتی توأم با حمایت قانونی از زندگی سالم به پیامدهای تقویت پیوندهای درونی، سبک زندگی سالم و خانواده‌گرایی منجر می‌شود» گردیده و می‌تواند همه مباحث مشارکت کنندگان را تحت پوشش قرار دهد. در کل، محقق به دنبال یک چارچوب نظری از برساخت جامعه مورد مطالعه در ارتباط با پیشگیری از فروپاشی خانواده بوده است که این کار را به کمک گراند تئوری انجام داده است. نتایج این تحلیل کیفی نشان می‌دهد که ترکیب عناصر اصلی در گفتمان مصاحبه شونده‌گان چگونه میتواند امکان پرورش نظری موضوع و پردازش الگوی مربوطه را فراهم سازد. بدیهی است با توجه به چند بعدی و میان رشته‌ای بودن موضوع خانواده و شیوه‌های تحکیم، حفظ و پیشگیری از فروپاشی آن می‌طلبد که تحقیقات کیفی بیشتری در شهرها و اقوام و جوامع محلی مختلف صورت پذیرد تا علاوه بر فهم پذیری مناسب تر موضوع، امکان دست یابی به گزاره‌های اثربخش متاثر از بافت بومی کشورمان را بیش از پیش میسر ساخته تا همه تلاش‌های صورت گرفته و در پیش رو بتواند منجر به کارآمدی مطلوب گردد.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. پس از اتمام پژوهش گروه گواه نیز تحت مداخله قرار گرفتند.

سیاسگزاری

از همه افرادی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان در مراحل مختلف انجام این رساله و تدوین و ارسال مقاله نقش داشته‌اند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- آرامی، حسین. (۱۳۹۷). معمار زندگی خود باشید، تهران: انتشارات صالحیان.
- احمدی‌خویی، شاهپور؛ مهرداد، علی، کشتی‌آرای، نرگس. (۱۳۹۷). تدوین بسته آموزشی پیشگیری از طلاق و تعیین اثربخشی آن بر رضامندی همسران و طلاق عاطفی، مجله پرستاری و مامایی، ۱۶ (۵): ۳۳۵-۳۴۵.
- اسدیان، عقیل؛ صداقت، کامران. (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی: شهرستان قائم شهر)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵ (۲): ۹۷-۱۱۶.
- برکات، فاطمه؛ امینی، ناصر؛ دیره، عزت؛ شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۸). اثربخشی الگوی یکپارچه پیشگیری از طلاق، رویکرد مبتنی بر دلگرم‌سازی و رویکرد مبتنی بر شفقت و گذشت بر افزایش صمیمیت عاطفی و انطباق‌پذیری خانوادگی در زوجین متقاضی طلاق، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، مقالات آماده انتشار، پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۰۷ اسفند ۱۳۹۸.
- بوالهروی، جعفر؛ رمضان‌زاده، فاطمه؛ عابدی‌نیا، نسرين؛ نقی‌زاده، محمدمهدی؛ پهلوانی، هاجر؛ صابری، سید مهدی. (۱۳۹۱). بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران، مجله اپیدمیولوژی ایران، ۸ (۱): ۹۳-۸۳.
- حسینی، رضا؛ قدرتی، حسین؛ امیرپور، مهناز. (۱۳۹۳). پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه‌ی شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)، فصلنامه تغییرات اجتماعی - فرهنگی، ۱۱ (۳): ۳۳-۵۰.
- حقیقتیان، منصور؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ آقابابایی، عزیزاله. (۱۳۹۷). سنخ‌شناسی طلاق و پیامدهای اجتماعی آن (مطالعه موردی: زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹ (۲): ۶۵-۹۲.
- حیدری، حامد؛ کیمیایی، سیدعلی؛ خویی‌نژاد، غلامرضا؛ مشهدی، علی. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی الگوی مشاوره‌ای پیشگیری از طلاق بر رضایت زناشویی در ازدواج‌های زود هنگام، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۳ (۱): ۲۲۴۹-۲۲۵۸. doi: 10.22038/mjms.2020.15981
- دهقانی‌تفتی، زهرا؛ محمدی، اصغر؛ حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی زنان شهر تهران طی سال‌های ۹۷-۹۶ براساس معادلات ساختاری، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۸ (۱)، ۹۷-۱۱۵.
- رحیم‌پور، عدنان؛ رحیم‌زاده، حسین؛ رحیم‌پور، فلاح. (۱۳۹۶). راهکارهای فقه اسلامی پیشگیری از وقوع آسیب اجتماعی طلاق، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۳۷): ۲۱۹-۲۵۲.

رضائی، وحید؛ فلاح، محمدحسین؛ وزیری، سعید. (۱۳۹۹). بررسی علل طلاق به شیوه تحلیل روایت در شهرستان یزد و طراحی آموزش پیش نیازهای زوجیت مبتنی بر علل طلاق با رویکرد یادگیری پنهان و با محوریت خانواده، مدرسه و دانش آموز. نشریه طلوع بهداشت، ۱۹ (۱): ۸۳-۷۳.

روشنی، شهره؛ تافته، مریم؛ خسروی، زهره. (۱۳۹۸). فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، صفحه ۶۵۳-۶۷۴.

زرگر، فاطمه؛ نشاط دوست، حمیدطاهر. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، فصلنامه خانواده پژوهی، ۳ (۱۱): ۷۴۹-۷۳۷.

عسکری باغمیانی، اشرف؛ جوادیان، سیدرضا. (۱۳۹۶). فشار مضاعف زندگی، پیامد اصلی طلاق در زنان؛ یک مطالعه کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۶ (۴): ۴۲۲-۴۳۶.

عرب خراسانی، سمیه؛ قاسمی، وحید؛ ربانی خوراسگانی، علی. (۱۳۹۹). تقاطع جنسیت و خانواده: فهم مردانه از ازدواج و جدایی، مطالعات زن و خانواده، ۸ (۱): ۱۱۳-۱۵۶.

کبیری، افشار؛ خاکپور، رقیه. (۱۳۹۹). فضای کنشی درون خانواده و رضایت از زندگی زناشویی (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹ (۲): ۴۲۳-۴۴۷.

کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام؛ جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۹۰-۱۳۷۶)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۹ (۳): ۱۱۱-۱۳۱.

مرادی، امید؛ اسمعیلی، معصومه؛ شفیق‌آبادی، عبدالله؛ کیامنش، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی الگوی یکپارچه مشاوره پیشگیری از طلاق بر کیفیت زندگی و انصراف از طلاق زوج‌های در آستانه طلاق، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲ (۴): ۵۰۰-۵۱۹.

مسعودی‌نیا، زهرا؛ بانکی‌پورفرد، امیرحسین؛ قلی‌زاده، آذر. (۱۳۹۴). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶ (۱): ۳۹-۶۴.

مشکی، مهدی؛ شاه‌قاسمی، زهره؛ دلشاد نوقابی، علی؛ مسلم، علیرضا. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۸۷-۸۸، فصلنامه افق دانش، ۱۷ (۱): ۳۵-۴۴.

نوابخش، مهرداد؛ محمدی، حامد. (۱۳۹۵). شناسایی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق با تأکید بر پایگاه اجتماعی (مطالعه موردی خانواده‌های زیر ۵ سال تشکیل شهر تهران)، فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۸ (۳۱): ۳۹-۵۹.

References

- Ahmadikhoi, Sh., Mehdad, A., & Keshtiarai, N. (2018). Compilation of divorce prevention educational package and determination of its effectiveness on spouses' consent and emotional divorce, *Journal of Nursing and Midwifery*, 16 (5): 335-345.
- Arab-Khorasani, S., Ghasemi, V., & Rabbani-Khorasani, A. (2020). The intersection of gender and family: men's understanding of marriage and separation, *Women and Family Studies*, 8(1): 113-156.
- Arami, H. (2018). *Be the architect of your life*, Tehran: Salehian Publications.

- Asadian, A., & Sedaghat, K. (2014). Sociological explanation of social factors affecting divorce (case study: Ghaem Shahr city), *Applied Sociology Quarterly*, 25(2): 116-97.
- Askari Baghmiani, A., & Javadian, S. R. (2017). The double pressure of life, the main consequence of divorce in women; A qualitative study, *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 6 (4): 422-436.
- Auersperg, Felicitas; Vlasak, Thomas; Ponocny, Ivo; Barth, Alfred. (2019). Long-term effects of parental divorce on mental health – A meta-analysis, *Journal of Psychiatric Research*, Volume 119, December 2019, Pages 107-115; <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2019.09.011>
- Barekat, F., Amini, N., Deireh, E., & Shafiabadi, A. (2022). The effectiveness of the integrated model of divorce prevention, the approach based on encouragement and the approach based on compassion and forgiveness on increasing emotional intimacy and family adaptability in couples applying for divorce, *Counseling and Psychotherapy Culture*, 13(49): 249-278
- Bearkat, F., Amini, N., Deyreh, E., & Shafiabady, A. (2022). The effectiveness of Integrated pattern for divorce prevention, based approach encouragement and approach based on compassion and forgiveness on Emotional intimacy and Family adaptability in Divorced spouses. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 13(49), 249-278. (in Persian)
- Bolhari, J., Ramzanzadeh, F., Abedinia, N., Naghizadeh, M. M, Pahlavani, H., & Saberi, S. M. (2012). Investigating some causes leading to divorce in couples applying for divorce in Tehran courts, *Iranian Journal of Epidemiology*. 8 (1): 83-93
- Cioffi, Camille C.; Garmo, David S.De; Jones, Jeremy A. (2020). Participation in the Fathering through Change intervention reduces substance use among divorced and separated fathers, *Journal of Substance Abuse Treatment*, Volume 120, January 2021, 108142; <https://doi.org/10.1016/j.jsat.2020.108142>
- Darbani, S. A., & Parsakia, K. (2022). The effectiveness of strength-based counseling on the reduction of divorced women's depression. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 4(1), 28-32.
- Dehghani Tafti, Z., Mohammadi, A., & Haghightatian, M. (2019). Sociological investigation of the social consequences of emotional divorce of Tehran women during 2017-2018 based on structural equations, *Iranian Social Issues Strategic Research Quarterly*, 8(1): 115-97.
- Denissen, J. J. A., Luhmann, M., Chung, J. M., & Bleidorn, W. (2019). Transactions between life events and personality traits across the adult lifespan. *Journal of Personality and Social Psychology*, 116(4), 612-633. <https://doi.org/10.1037/pspp0000196>
- Düzbakar, O. (2016). Divorce and Types of Divorce at the End of Seventeenth-century Bursa. *Journal of Family History*, 41(2), 118-130. <https://doi.org/10.1177/0363199016635218>
- Fernandez, Raquel, Wong, Joyce Cheng, (2014). Divorce risk, wages and working wives: a quantitative life-cycle analysis of female labour force participation. *Econ. J.* 124 (May), 319-358.
- Gadalla, T. M. (2008). Impact of marital dissolution on men's and women's incomes: A longitudinal study. *Journal of Divorce & Remarriage*, 50 (1), 55-65. <https://doi.org/10.1080/10502550802365714>.
- Gruber, Jonathan, (2004). Is making divorce easier bad for children? The long-run implications of unilateral divorce. *J. Labor Econ.* 22 (4), 799-833.

- Haghighatian, M., Hashemianfar, S. A., & Aghababaei, A. (2018). Etiology of divorce and its social consequences (case study: divorced women covered by the Imam Khomeini Relief Committee (RA) of Chaharmahal and Bakhtiari Province), *Applied Sociology Quarterly*, 29(2): 65-92.
- Hasani, R., Ghodrati, H., & Amirpour, M. (2014). Consequences of divorce for divorced women in Mashhad (a qualitative research), *Socio-Cultural Changes Quarterly*, 11(3): pp. 33-50.
- Heydari, H., Kimiaei, S. A., Khoejnejad, Gh., & Mashhadi, A. (2020). Investigating the effectiveness of divorce prevention counseling model on marital satisfaction in early marriages, *Mashhad University of Medical Sciences Faculty of Medicine Journal*, 63(1): 2249-2258.
- Kabiri, A., & Khakpour, R. (2020). Action space within the family and satisfaction with married life (case study: married women of Urmia city). *Social studies and research in Iran*, 9(2): 423-447.
- Kalantari, A. H., Roshan Fekr, P., & Javaheri, J. (2011). The Effects and Consequences of Divorce, a Systematic Review of Researches Conducted in Iran Emphasizing Gender Considerations (1997-2011), *Women's Quarterly in Development and Politics*, 9(3): 111-131.
- Kalmijn, M., Vanassche, S., & Matthijs, K. (2011). Divorce and Social Class During the Early Stages of the Divorce Revolution: Evidence From Flanders and the Netherlands. *Journal of Family History*, 36(2), 159-172. <https://doi.org/10.1177/0363199011398436>
- Kang, Y., Ko, K., Ganong, L., & Chapman, A. (2020). Perceived norms of child support payments: a comparative study of South Korea and the United States. *Journal of Family Studies*, 1-17. KOSIS. (2019, August). Korean Statistical Information Service. Retrieved from <http://kosis.kr/index/index.do>.
- Kim, Yeongmin; Chung, Yiyoon. (2020). Child support receipt among divorced mothers in Korea: Changes after the 2007 policy reform, *Children and Youth Services Review*, Volume 119, December 2020, 105446; <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105446>
- Klein Velderman, M., Pannebakker, F. D., van Vliet, W., & Reijneveld, S. A. (2018). Prevention of Divorce-Related Problems in Dutch 4- to 8-Year-Olds: Cultural Adaptation and Pilot Study of the Children of Divorce Intervention Program. *Research on Social Work Practice*, 28(4), 415-427. <https://doi.org/10.1177/1049731516644504>
- Lan, Xiaoyu. (2020). Disengaged and highly harsh? Perceived parenting profiles, narcissism, and loneliness among adolescents from divorced families, *Personality and Individual Differences*, Available online 27 October 2020, 110466, In Press, Corrected Proof
- Masoudnia, Z., Bankiporfard, A., & Qolizadeh, Azar. (2015). A qualitative study of the experiences of divorced men and women from cultural factors underlying divorce, *Applied Sociology*, 26(1): 39-64.
- Meshki, M., Shah Ghasemi, Z., Delshad Nougabi, A., & Muslim, A. (2011). Investigating the situation and factors related to divorce from the point of view of divorced couples in Gonabad city in 2008-2008, *Efoq Danesh Quarterly*, 17(1):35-44.
- Moradi, O., Esmaili, M., Shafiabadi, A., & Kiamanesh, A. (2012). Investigating the effectiveness of the integrated model of divorce prevention counseling on the quality of life and withdrawal from divorce of couples on the verge of divorce, *Family Counseling and Psychotherapy Quarterly*, 4(2): 519-500.
- Navabakhsh, M., & Mohammadi, H. (2016). Identifying the cultural and social components of family consolidation in order to prevent divorce with an emphasis on social base (a

- case study of families under 5 years of age in Tehran), *Social Research Quarterly*, 8(31): 39-59.
- Oláh, L. S. (2015). Changing families in the European Union: Trends and policy implications. Analytical paper, prepared for the United Nations Expert Group Meeting, "Family policy development: Achievements and challenges," New York, May 14–15, pp; 1-41.
- Rahimpour, A., Rahimzadeh, H., & Rahimpour, F. (2017). The solutions of Islamic jurisprudence to prevent the social damage of divorce, *Social Sciences Quarterly*, 11(37), 219-252.
- Rezaei, V., Fallah, M. H., & Vaziri, S. (2020). Investigating the causes of divorce through narrative analysis in Yazd city and designing education for the prerequisites of marriage based on the causes of divorce with a hidden learning approach centered on family, school and student. *Tolo-e-Behdasht*, 19 (1): 73-83.
- Roshani, Sh., Tafte, M., & Khosravi, Z. (2019). Meta-analysis of divorce research in Iran in the last two decades (1998-2018) and providing solutions to reduce divorce and its negative consequences for women and children, *Women in Development and Policy Quarterly*, 17(4): 653-674.
- Schaan, V. K., Schulz, A., Schächinger, H., & Vögele, C. (2019). Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *Journal of affective disorders*, 257, 91–99. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.06.071>
- Sorek, Yoa. (2020). Grandparental and overall social support as resilience factors in coping with parental conflict among children of divorce, *Children and Youth Services Review*, Volume 118, November 2020, 105443. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105443>
- Spikic, Sascha; Mortelmans, Dimitri, Pasteels, Inge. (2020). Does divorce change your personality? Examining the effect of divorce occurrence on the Big Five personality traits using panel surveys from three countries, *Personality and Individual Differences*, Available online 27 October 2020, 110428. In Press, Corrected Proof.
- Stevenson, Betsey, 2007. The impact of divorce laws on marriage-specific capital. *J. Labor Econ.* 25 (1), 75–94.
- Stevenson, Betsey; Wolfers, Justin. (2006). Bargaining in the shadow of the law: divorce laws and family distress. *Q. J. Econ.* 121 (1), 267–288. <https://doi.org/10.1093/qje/121.1.267>.
- Wong, Ho-Po Crystal. (2016). Credible commitments and marriage: when the homemaker gets her share at divorce. *Journal of Demographic Economics* 82, 241–279. <https://doi.org/10.1017/dem.2016.9>.
- Zargar, F., & Neshat Dost, H. T. (2007). Investigating the effective factors in the occurrence of divorce in Flowerjan city, *Family Research Quarterly*, 3(11): 749-737.

Qualitative Study to Identify Preventive Components of Family Collapse

Hossein. Arami¹, Abdollah. Shafiabadi^{2*} & Kianoush. Zahrakar³

Abstract

Aim: The present study aimed to developed a model for preventing family collapse based on the knowledge and experience of some experts and couples applying for the divorce. **Methods:** The research method was qualitative with the grounded theory technique. **Results:** The results were obtained based on three stages of coding with more than 205 meaningful propositions, 404 corresponding concepts, 35 sub-categories, 12 main categories, and one core category. **Conclusion:** The 12 categories obtained include an emphasis on continuous education, economic strengthening, legal support for a healthy life, skill training and skill enhancement, continuous moral reproduction, cultural immunity, healthy lifestyle, rational choice, strengthening the internal links of members, building mutual trust, family orientation, and effective intervention. Abstracting these categories in the selective coding stage obtained a core category called " Prevention of family collapse leads to the consequences of strengthening internal bonds, healthy lifestyle and family orientation due to mutual trust building, continuous moral reproduction in the context of economic strengthening, the effective intervention of culture, rationality with educational and skill strategies combined with legal protection of healthy life "which can cover all the topics of the participants.

Keywords: family, prevention of collapse, Identify Components.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. PhD Student, Department of Counseling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. *Corresponding author: Professor, Department of Counseling, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

Email: ashafiabady@yahoo.com

3. Associate Professor of Counseling Department, Kharazmi University, Tehran, Iran.